



خشونت علیه نظامیان پیشین؛

دل سربازان به سرنوشت در ایران مے لرزد



بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان حکومت پیشین در افغانستان با سقوط نظام جمهوری آغاز شد و این روزها بیشتر شده است. براساس گزارش‌های نشر شده در ماه دلو امسال، تنها در یک روز سه خبر از قتل، ربایش و بازداشت نظامیان پیشین در افغانستان نشر شده است. براساس گزارش‌ها، در ۱۵ دلو سال روان خورشیدی طالبان در پنجشیر پنج تن به شمول...



اختلاف‌های درونی وضع امنیتی؛

سفارت عربستان در کابل به دلیل ناامنی بسته‌شد

بازسازی شاهراه هرات - غور؛

طالبان با زور از مردم پول گردآوری می‌کنند

گزارشگران بدون مرز به طالبان: مرتضا بهبودی، روزنامه‌نگار فرانسه‌ای افغانی الاصل را آزاد کنید



۸ صبح، کابل: سازمان گزارشگران بدون مرز خواستار رهایی مرتضا بهبودی، خبرنگار فرانسه‌ای، از سوی طالبان شده است. گزارشگران بدون مرز، ۱۴ رسانه و شبکه تولیدی فرانسه روز یکشنبه، ۱۶ دلو، در اعلامیه‌ای خواستار رهایی بهبودی از قید طالبان شده‌اند. مرتضا بهبودی یک ماه پیش برای تهیه گزارش از افغانستان زیر تسلط طالبان به کابل آمد. او ۴۸ ساعت پس از ورود، زمانی که می‌رفت تا اعتبارنامه فعالیت‌های مطبوعاتی خود را دریافت کند، از سوی طالبان بازداشت شد. طالبان مرتضا بهبودی را که در اصل از افغانستان است و شهروندی فرانسه را دارد، به جاسوسی متهم کرده‌اند. این خبرنگار افغانی الاصل با کار در رسانه‌های مختلف فرانسه، در سال ۲۰۲۲ جایزه برای خبرنگاران جنگ و جایزه ملی روزنامه وارن فرانسه را دریافت کرده است. بازداشت خبرنگاران در افغانستان زیر تسلط طالبان بی‌پیشینه نیست. این گروه تا کنون خبرنگاران داخلی زیادی را بازداشت و شکنجه کرده است.

داکتران بدون مرز: افزایش محدودیت در برابر زنان، بحران بشری را در افغانستان حاکم کرده است

سازمان داکتران بدون مرز افزوده است که مردم به مراکز صحتی دولتی دسترسی ندارند و آن‌ها به دلیل فقر، قادر نیستند از مراکز صحتی خصوصی دوا بخرند. بر بنیاد این گزارش، ۹۵ درصد مردم افغانستان در جریان سال ۲۰۲۲ در تهیه غذا با مشکل مواجه بوده و مادران به دلیل نبود امکانات بهداشتی و غذای کافی دچار سوءتغذی شده‌اند. به گفته سازمان داکتران بدون مرز، محدودیت‌ها علیه زنان باعث شده است که رسیده‌گی زنان به درمان، از جمله در بخش زایمان، با مشکل مواجه شود. گفتنی است که طالبان آموزش و تحصیل را برای دختران ممنوع قرار داده و کار کردن زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی را نیز تا امر بعدی به حالت تعلیق در آورده‌اند.



روستایی برای درمان نیاز دارند که به شهرها سفر کنند، اما در بیشتر موارد زنان به دلیل محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان نمی‌توانند سفر کنند؛ زیرا آن‌ها نیاز به محرم دارند.

۸ صبح، کابل: سازمان داکتران بدون مرز می‌گوید که سیستم ناکارآمد، فقر گسترده و افزایش محدودیت در برابر زنان، بحران بشری را در افغانستان حاکم کرده است. گزارش سازمان داکتران بدون مرز تحت نام «دسترسی به امکانات صحتی و موانع دسترسی به آن در افغانستان» روز دوشنبه، ۱۷ دلو، نشر شده است که دریافت‌های این سازمان از وضعیت بشری افغانستان در جریان سال ۲۰۲۲ را نشان می‌دهد. این سازمان در گزارش خود به‌گونه پرسش‌آمیز نوشته است که اگر دختران نتوانند درس بخوانند، نسل بعدی داکتر و پرستار از کجا خواهد آمد. در گزارش آمده است که مردم مناطق

یوناما: منع آموزش دختران، پیش‌رفت‌های عمده ۲۰ سال گذشته در بخش آموزش را از بین می‌برد



۸ صبح، کابل: دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گفته است که منع آموزش دختران، پیش‌رفت‌های عمده ۲۰ سال گذشته در بخش آموزش را از بین می‌برد. یوناما روز دوشنبه، ۱۷ دلو، با نشر خبرنامه‌ای بار دیگر از طالبان خواسته است که ممنوعیت آموزش دختران را لغو کند. یوناما افزوده است: «تصمیم طالبان افغانستان را به تنها کشوری در جهان تبدیل می‌کند که دسترسی زنان و دختران به تعلیم و تربیه در

آن محدود است. ما خواهان دسترسی فوری و غیرقابل مذاکره به تعلیم و تربیه همه دختران و زنان در افغانستان هستیم.» بیش از یک سال می‌شود که دختران از حق آموزش توسط طالبان محروم شده‌اند. رهبری طالبان در آخرین تصمیم، فرمان ممنوعیت تحصیل و کار در موسسه‌های داخلی و خارجی را نیز برای دختران و زنان صادر کرد. فرمان‌های طالبان همواره با واکنش‌های گسترده داخلی و خارجی به همراه بوده است.

رابطه تنش آلود جنرال مشرف با افغانستان



۶

از رویای شاعر تا سفر در توفان

نخستین تجربه‌های فارانی در اوزان آزاد عروضی به سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ خورشیدی برمی‌گردد که در کتاب «آخرین ستاره» آمده است. البته پیش از این فارانی در گزینه «رویای شاعر» دو شعر نیمایی به نام‌های...



۷



سیاه‌چال امارت غیررسمی

رسمیت اداره طالبان، حتی با تعدیلات و عقب‌نشینی‌های تاکتیکی چون بازگشایی مکاتب دخترانه و اشتراک تعدادی از چهره‌های معامله‌گر و تیکه‌داران سیاسی، کابوسی بوده که ذهن خیلی از وطن‌داران را از آغاز برگشت طالبان به قدرت مشغول داشته است. در اوایل شعار «امارت طالبان را به رسمیت نشناسید» ورد زبان کسانی بود که می‌دانستند استقرار نظام طالبانی با هر عنوان و شکلی، عقب‌گرد جبران‌ناپذیر خواهد بود و بازگشت کشور را به مسیر صلح و توسعه بسیار به تأخیر خواهد انداخت. اتفاقات چند سالی که به سقوط جمهوری اسلامی و برگشت طالبان به قدرت منجر شد، این ترس را به جود آورده بود که کشورهای منطقه و قدرت‌های جهان به تشکیل امارت طالبان توافق کرده‌اند و دیر یا زود آن را به رسمیت خواهند شناخت. برای بسیاری تنها آرزو، این مانده بود که طالبان، طوری که لابی‌ها تبلیغ می‌کردند، از شکست دوره قبل و رویارویی با واقعیت‌های بیست سال اخیر آن‌قدر آموخته باشند که به ساختن دولت محافظه‌کار اما قانونی تن دهند و برای کشاندن کشور به اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی کمر نینندند. اما طالبان راهی را رفتند که بلد بودند و پوتانسیل درونی آن گروه حکم می‌کرد.

یک‌ونیم سال امارت غیررسمی طالبان کشور را به سیاه‌چالی بدل کرده که کمتر از امارت رسمی ترسناک نیست. طالبان هر روز عرصه را بر مردم تنگ‌تر کرده و تمام دارایی‌ها و امکانات ملی را به خدمت استحکام نظامی گماشته‌اند که هدفش ایجاد کار، رفاه، تعلیم و آرامش مردم نیست، بلکه پی‌گیری جنگ بی‌پایان تا «فتح» کامل جهان است، و برای این هدف باید تمام ساکنان کشور آماده قربانی شوند. عدم رسمیت از نوعی که حالا جریان دارد، فرصتی کم‌یاب برای آنانی شده که تصور می‌کنند افغانستان را «فتح» کرده‌اند و حالا ماموریت دارند تا پاکستان، آسیای میانه و بسیاری جاهای دیگر را نیز «فتح» کنند. آنان نظام بین‌الملل را به رسمیت نمی‌شناسند و حمایت‌های تسلیحاتی و مالی را که از کشورهای دیگر به دست می‌آورده‌اند، یاری خداوند و غنیمت می‌شمارند. داشتن امارت غیررسمی که به هیچ قاعده و عرفی پایند نباشد و اقدامات ضد بشری‌اش جز واکنش‌های مطبوعاتی هزینه‌ای نداشته باشد، برای آنان حالت ایده‌آل است.

در سوی دیگر، بازیگران منطقه و جهان که از نفوذ هم‌دیگر در افغانستان نگران‌اند، این بلا تکلیفی را فرصت می‌دانند تا مانع افزایش نفوذ حریفان گردند و در آینده افغانستان نقش بارزتر به دست آورند. امریکا احتمال غلتیدن افغانستان به دامن چین و روسیه را بدتر از وضعیت کنونی می‌داند و حریفان آن کشور ایجاد هر گونه نظم به ابتکار امریکا و هم‌پیمانانش را بدترین سناریو می‌خوانند. طالبان در میدان حاصل از رقابت خریداران متخاصم، از امارت «خداداد» لذت می‌برند.

این وضعیت میان مخالفان طالب نیز سردرگمی و بلا تکلیفی خلق کرده است. امید به گشایش احتمالی و افزایش فشارهای بین‌المللی، مانع تحرک جدی بین سیاستمداران غیرطالب گشته و آنان چشم‌به‌را روزی نشسته‌اند که گروه طالبان به میز مذاکره برگردد و به ایجاد حکومت «همه‌شمول» گردن نهد. هزینه این بلا تکلیفی و نبود دولت، هر روز بیشتر می‌شود. جز تندروان جهادی و آنانی که از این فرصت برای تجدید قوا، مذاکره و اتحاد تروریستی، سربازگیری و برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند، دیگران همه به زیان‌اند. مردم افغانستان که در سیاه‌چال امارت غیررسمی گروگان گرفته شده‌اند، متضرران اصلی‌اند. گرسنگی و قحطی سراسری، آرامش جسمی و حیات میلیون‌ها انسان را با خطر مواجه کرده است و سرکوب و محدودیت‌های ویرانگر، خوره هر روزه روان اقشار مختلف، به‌خصوص دختران و زنان، شده است. سیاستمداران غیرطالب و همه آنانی که در ساختن حکومت ملی و نجات کشور از جنگ تروریسم احساس مسوولیت می‌کنند، در این بلا تکلیفی نیرو و زمان را از دست می‌دهند. جامعه جهانی، به‌خصوص کشورهای منطقه، با تماشای تنور تروریسم در افغانستان احتمال آتش گرفتن دامن خود را افزایش می‌دهند.

طالبان کشورها باید با ملت افغانستان از روی «مرحمت و عاطفه انسانی» برخورد کنند



۸صبح، کابل: ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه

طالبان، گفته است که مردم افغانستان مصیبت‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند و کشورها باید با این ملت از روی «مرحمت و عاطفه انسانی» برخورد کنند.

مجاهد روز دوشنبه، ۱۷ دلو، با نشر توییتی که پس از لحظاتی آن را حذف کرد، نگاشته است که اعمال فشارها، ایجاد تشویش‌ها و خواسته‌های مداخله‌گرایانه به نفع هیچ جهت نیست.

او افزوده است: «پیش‌رفت و اعتمادی که از راه تفاهم، گفت‌وگو و تماس‌های مثبت و متواتر به دست می‌آید، از طریق تحریم، محروم ساختن و سیاست‌های تحمیلی به دست نمی‌آید، پس باید با امارت اسلامی و مردم افغانستان روابط را گسترش داد و بیشتر این ملت را نرنجاند، چون سیاست‌های زور، تحمیل و فشار چندین بار آزموده شده که نتیجه مطلوبی را

نداشته است.» این گفته‌های مجاهد در حالی بیان می‌شود که روز یک‌شنبه، ۱۶ دلو، یک منبع معتبر به روزنامه ۸صبح تأیید کرد که عربستان سعودی سفارتش در افغانستان را تخلیه کرده است.

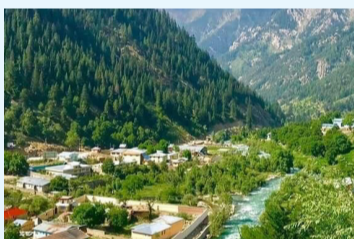
این منبع گفت که دیپلمات‌های سفارت عربستان سعودی در کابل پس از منع ادامه فعالیت کارمندان زن این سفارت از سوی طالبان، روز چهارشنبه، ۱۲ دلو، به کشورشان برگشته‌اند.

منبع این احتمال را نیز مطرح می‌کند که سفارت عربستان سعودی در کابل در پی افزایش تهدیدهای امنیتی تخلیه شده باشد.

گفتنی است که اقدام‌های گروه طالبان در برابر دختران و زنان در کشور واکنش‌های گسترده جهانی را در پی داشته است.

لغزش سنگ بر خانه‌ای در کنر؛

یک کودک کشته و پنج تن زخمی شدند



کنر رخ داده است.

سمیع‌الله، یک تن از شاهدان به روزنامه ۸صبح گفت: «سنگ بر خانه‌ای سقوط کرد که در اثر آن یک کودک جان باخت و پنج نفر از جمله سه کودک زخمی شدند.»

به گفته وی، این رویداد ساعت ۲:۰۰ پس‌ازظهر امروز رخ داده است.

مقام‌های محلی طالبان تا کنون در مورد این رویداد چیزی به رسانه‌ها نگفته‌اند.

گفتنی است که پیش از این نیز چنین واقعه‌ها در شماری از ولایت‌های کشور رخ داده است.

منابع روز دوشنبه، ۱۷ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این رویداد در ولسوالی چه‌دره ولایت

۸صبح، کنر: منابع محلی در ولایت کنر می‌گویند که در اثر لغزش سنگ بر خانه‌ای از سمت کوه در کنر، یک کودک جان باخته و پنج تن دیگر زخمی شده‌اند. منابع روز دوشنبه، ۱۷ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این رویداد در ولسوالی چه‌دره ولایت

منع آموزش و تحصیل زنان؛

نماینده ویژه قطر با رهبران ارشد طالبان دیدار کرد



۸صبح، کابل: وزارت امور خارجه قطر از دیدار

داکتر متلق بن ماجد القحطانی، نماینده ویژه این وزارت در امور مبارزه با تروریسم و میانجی‌گری در حل منازعات، با چهار عضو کابینه طالبان خبر داده است.

این وزارت روز یک‌شنبه، ۱۶ دلو، با نشر خبرنامه‌ای گفته که اوضاع سیاسی، اقتصادی، انکشافی و آموزش و پرورش در افغانستان، محور دیدارها بوده است.

القحطانی با امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه، عبدالحق وثیق، رییس عمومی استخبارات، سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت امور داخله و حبیب‌الله آغا، سرپرست وزارت معارف طالبان،

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برخورد طالبان با الاهی دلاوری را «غیرانسانی» خواند

۸صبح، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بازداشت الاهی دلاوری و برخورد طالبان با وی را غیرانسانی خوانده و آن را محکوم کرده است.

این کمیسیون روز دوشنبه، ۱۷ دلو، با نشر اعلامیه‌ای به انتقال و بازداشت غیرقانونی الاهی دلاوری توسط طالبان واکنش نشان داده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از یوناما، نماینده‌گی اتحادیه اروپا در افغانستان، گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته زنان این سازمان و دیگر نهادهای مدافع حقوق زنان خواسته که در زمینه آزادی دلاوری از بند طالبان تلاش کنند.

این کمیسیون نسبت به امنیت اعضای خانواده الاهی دلاوری، ابراز نگرانی کرده و خواهان تدابیر واضح و لازم برای فراهم‌سازی زنده‌گی بدون ترس برای آنان شده است.

الاهی دلاوری از دانشجویان طب دانشگاه کابل بود. او مدعی است که سعید خوستی، سخنگوی پیشین وزارت امور داخله طالبان پس از تسلط این گروه بر کشور با استفاده از زور با وی نکاح کرده و پس از آن او را مورد لت‌وکوب و شکنجه قرار داده است.

دلاوری پس از این گفته‌هایش از سوی طالبان بازداشت و اکنون در زندان این گروه بهسر می‌برد.

روایت خواهران الاهی دلاوری را اینجا می‌توانید بشنوید.



دو تن در نیمروز و زابل خودکشی کردند

۸صبح، نیمروز: منابع محلی در ولایت‌های

زابل و نیمروز از خودکشی دو مرد خبر داده‌اند. منابع در شهر زرنج، مرکز نیمروز، روز دوشنبه، ۱۷ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که مردی در یکی از هتل‌های این شهر خودش را

حلق‌آویز کرده است. این مرد شب‌هنگام خودکشی کرده و هنوز علت آن معلوم نیست.

در همین حال، یک منبع معتبر محلی در زابل به روزنامه ۸صبح می‌گوید که جوان هفده‌ساله‌ای در این ولایت خودکشی کرده است.

به گفته منبع، این جوان یک‌شنبه‌شب در شهر قلات، مرکز زابل، دست به این کار زده است.

گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، آمار خودکشی در ولایت‌های مختلف افزایش یافته است. علت بسیاری از رویدادهای خودکشی، فقر و تنگ‌دستی خوانده می‌شود.



سفارت عربستان در کابل به دلیل ناامنی بسته شد



امین کاوه

عربستان در حالی فعالیت‌های سفارتش در کابل را متوقف کرده که سه ماه پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، در ۹ قوس ۱۴۰۰ خورشیدی، ادامه فعالیت‌های دیپلماتیکش در کابل را از سر گرفته بود. منابع به روزنامه ۸ صبح تایید کرده‌اند که عربستان سعودی پنج روز پیش (پنج‌شنبه، ۱۳ دلو) سفارتش را در کابل بسته و شماری از کارمندانش را به نمایندگی سیاسی خود در اسلام‌آباد و بقیه را به ریاض منتقل کرده است.

به‌عنوان مرکز ثقل جهان اسلام، میزبان حرمین شریفین و از محدود کشورهای که در گذشته طالبان را به رسمیت شناخته بود، گامی به پیش به سوی انزوای هرچه بیشتر گروه دهشت‌افکن و جنایت‌کار طالبان در جهان اسلام و منطقه به حساب می‌رود.

حمله بر نماینده‌گی‌های دیپلماتیک در کابل
در جریان بیش از ۱۷ ماه گذشته، نماینده‌گی‌های سیاسی کشورهای خارجی که پس از بازگشت طالبان به قدرت در کابل فعال بوده‌اند، یکی پی دیگر مورد حمله‌های تروریستی قرار گرفته‌اند.

حمله بر سفارت روسیه

سفارت روسیه پس از سقوط نظام جمهوری در کابل فعال ماند و به صدور ویزه برای شهروندان افغانستان ادامه داد. این سفارت حوالی ساعت ۱۱:۰۰ پیش از چاشت روز دوشنبه، ۱۴ سنبله، گواه انفجاری بود که در نتیجه آن شش تن به شمول دو کارمند این سفارت کشته و دست‌کم ۱۰ تن دیگر زخمی شدند. وزارت خارجه روسیه تایید کرد که دو تن از دیپلماتان این کشور به نام‌های میخایل شاه، سکرتر دوم و آدیگری کوزوگت، کارشناس این سفارت، نیز در حمله یادشده کشته شده‌اند. پس از آن سفارت روسیه در کابل با نشر خبرنامه‌ای اعلام کرد که خدمات قونسل خود را تا اطلاع ثانوی در افغانستان متوقف ساخته است. داعش مسوولیت حمله بر سفارت روسیه در کابل را برعهده گرفت.

حمله بر سفیر پاکستان

عبدالرحمان نظامانی، سفیر پاکستان در کابل، عصر روز جمعه، ۱۱ قوس، در محوطه سفارت این کشور آماج تیراندازی قرار گرفت. در آن حمله به آقای نظامانی آسیب نرسید، اما براساس گزارش‌ها یک نگهبان این سفارت زخمی شد. پس از آن حمله، داعش روز یک‌شنبه، ۱۳ قوس، با نشر خبرنامه‌ای گفت که «به سفیر مرتد پاکستان و نگهبانانش» حمله کرده است.

حمله بر مواضع چینی‌ها در کابل

وانگ یو، سفیر چین در کابل، روز یک‌شنبه، ۲۰ قوس، در دیدار با شیرمحمد عباس استانکزی، معین سیاسی وزارت خارجه طالبان، نسبت به تأمین امنیت سفارت این کشور در کابل ابراز نگرانی کرد. او در این دیدار از طالبان خواست که به تأمین امنیت سفارت چین توجه ویژه صورت بگیرد. اما یک روز پس از آن (روز دوشنبه، ۲۱ قوس) سه مهاجم مسلح حوالی ساعت ۲:۳۰ پس از چاشت یکی از مهمان‌خانه‌ها را در منطقه شهرنو کابل مورد حمله قرار دادند که شماری از شهروندان چینی در آن اقامت داشتند. شفاخانه ایمرجنسی در کابل در آن زمان با نشر توییتی گفت که از آن حمله سه کشته و ۱۸ زخمی به این شفاخانه منتقل شده‌اند. داعش مسوولیت حمله را برعهده گرفت.

سفارت عربستان سعودی و برخی از کشورهای دیگر در حالی در کابل بسته می‌شوند که روز جمعه گذشته، گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی، از هواداران حزبی خواست تا نمازهای جمعه را در مسجدهای محل شان بخوانند و به دلیل تهدیدات امنیتی به خانه او نروند. منابع اما می‌گویند که رهبر حزب اسلامی به دلیل فشارهای طالبان از ادای نمازهای جمعه در مسجد متصل به دفترش خودداری کرده است. گلبدین حکمتیار، روز جمعه، ۱۱ قوس، در جریان ادای نماز جمعه در کابل مورد یک حمله انتحاری قرار گرفت که در نتیجه آن یک نمازگزار کشته و دو تن دیگر زخمی شدند.

پس از بازگشت طالبان به قدرت، داعش مسوولیت حمله بر سفارت‌های روسیه و پاکستان و مهمان‌خانه محل سکونت شهروندان چین در شهرنو کابل را پذیرفته است. در چنین وضعیتی، طالبان بارها تاکید کرده‌اند که امنیت در افغانستان تأمین است و هیچ نگرانی‌ای از این رهگذر متوجه شهروندان افغانستان و نماینده‌گی‌های سیاسی و دیپلمات‌های خارجی وجود ندارد. گفتنی است که عربستان سعودی، امارات متحده عربی و پاکستان در دهه ۹۰ میلادی تنها سه کشوری بودند که رژیم طالبان را به رسمیت شناختند. اکنون اما این کشورها در هم‌سویی با جامعه جهانی، به رغم تعامل با طالبان، رژیم این گروه را به رسمیت نشناخته و به‌تازگی نماینده‌گی‌های سیاسی خود در کابل را نیز بسته‌اند.

آمدن هیات علمای دین از کشورهای اسلامی و درخواست‌شان از طالبان برای نشان دادن نرمش در این راستا، اندکی شدت گرفت و سپس موسسه‌های بین‌المللی به این فشارها پیوستند؛ اما این فشارها نتوانست مانع وضع محدودیت‌های طالبان بر زنان شود.

رئیس امنیت ملی حکومت پیشین علاوه می‌کند: «طالبان نه‌تنها نرمش نشان ندادند، بلکه در بسیاری از موارد به‌شدت فشارها بالای زنان را افزودند؛ این باعث شد که جامعه بین‌المللی تلاش کند از طریق کشورهای اسلامی سطح فشار بالای طالبان را بیشتر کند. به این دلیل، یک تعداد کشورهای اسلامی سفارت‌های خود را بسته کرده‌اند.» آقای نبیل خاطر نشان می‌سازد: «در پهلوی آن فشارهای دیپلماتیک تهدیدات بلند هم وجود دارد. اطلاعات بسیار زیاد وجود دارد که یک تعداد زیاد از تروریست‌ها از قسمت‌های پاکستان و در ضمن بعضی گروپ‌هایی که در داخل هستند، با داعش سمپاتی دارند. راپورهای زیاد نشر شده ادر مورد این تهدیدات بلند می‌رساند که بعضی کشورهایی که با طالبان مراوده نزدیک دارند، در صدر فهرست حملات احتمالی داعش قرار دارند و ما در چند ماه گذشته نمونه‌هایش را دیدیم.»

از سوی دیگر، شهروندان و شماری از صاحب‌نظران درباره بسته شدن سفارت عربستان سعودی در کابل می‌گویند که طالبان از تأمین امنیت نماینده‌گی‌های دیپلماتیک و تعامل صلح‌آمیز با جهان عاجزند. مجیب‌الرحمان رحیمی، سخنگوی شورای عالی مصالح ملی پیشین، در برکه فیس‌بوکش بسته شدن سفارت عربستان سعودی را «گامی به سوی انزوای بیشتر» طالبان خوانده است. آقای رحیمی در این مطلب ادعا کرده است: «بعد از به قدرت رسیدن رژیم دهشت‌افکن و جنایت‌کار طالبان، اکثریت مطلق کشورها سفارت‌ها و نماینده‌گی‌های دیپلماتیک خود را بستند و دیپلمات‌ها و نماینده‌گان خویش را از افغانستان بیرون کردند. اما عده محدودی از کشورها به دلیل مخالفت با غرب، همکاری‌های قبلی با طالبان، رقابت‌های منطقه‌ای یا فریب تغییر طالبان سفارت‌های خود را به رغم تقلیل دیپلمات‌ها و سطح نماینده‌گی باز نگه داشتند.»

سخنگوی شورای عالی مصالحه ملی پیشین دلیل بسته شدن شماری از سفارت‌خانه‌ها در کابل را چنین توضیح داده است: «با بر ملا شدن سیاست‌های غیراسلامی و غیرانسانی به‌ویژه علیه زنان، ظلم و استبداد داخلی، حمایت از تروریسم بین‌المللی، سرپیچی از حقوق و الزامات بین‌المللی، تنش با کشورهای منطقه و ناکامی در فراهم‌سازی امنیت سفارت‌ها و دیپلمات‌های مقیم کابل، تعدادی از این کشورها تصمیم گرفته‌اند تا سفارت‌های خود را در کابل بسته کنند.» او علاوه کرده است: «تصمیم اخیر عربستان سعودی برای بستن سفارت این کشور و بیرون ساختن دیپلمات‌هایش

ادعا کرده که سفارت عربستان سعودی در کابل بسته نشده است. او گفته که دیپلماتان عربستان سعودی در یک برنامه آموزشی به ریاض رفته‌اند و دوباره به کابل برمی‌گردند.

با این حال یک منبع آگاه در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «بخشی از سران طالبان شکایت از رهبری‌شان را روزبه‌روز بیشتر می‌سازند. چه در ملاقات با هیات‌های خارجی و چه در گفت‌وگو با برخی از فعالان سیاسی افغانستان ناراضیاتی خود را از اعمال رهبر و حلقه اطرافش به تکرار بروز داده‌اند.» به باور منابع، لحن این شکایت‌ها به‌گونه‌ای است که تحلیل‌گران احتمال کودتا یا جنگ داخلی در افغانستان را مطرح کرده‌اند؛ جنگی درون‌گروهی که به سبب اختلاف‌ها میان رهبران طالبان دارد اوج می‌گیرد.

این منبع می‌افزاید: «دائر این تنش‌ها، رهبری طالبان از صلاحیت‌های ملا یعقوب کاسته و قوماندان‌های قول‌اردها را از افراد مورد اعتماد خود انتخاب کرده و شماری دیگر از سران طالبان نگران کاهش صلاحیت‌های‌شان هستند.» به سخن او، دیده می‌شود که تنش‌های درون‌گروهی طالبان به‌شدت افزایش یافته است، به‌گونه‌ای که ملاهبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، محافظت خود را به نیروهای ویژه پاکستانی سپرده است.

براساس روایت منابع، ماجد قحطانی، نماینده ویژه قطر برای افغانستان، نیز به منظور حل اختلاف‌ها میان رهبران طالبان به کابل سفر کرده و تلاش خواهد کرد تا راه را برای ایجاد یک «حکومت مشارکتی» باز کند. به گفته منابع، پاکستان نیز طرفدار این موضوع است، اما در عین حال به دنبال ایجاد تقابل میان رهبران طالبان نیز است تا بتواند با درگیر ساختن این گروه، فشار حملات تحریک طالبان پاکستانی را بالای اسلام‌آباد کاهش دهد. این منابع می‌افزایند که روزهای آینده برای افغانستان روزهای پرماجرایی خواهد بود. براساس معلومات منابع، در حال حاضر دولت‌های امارات متحده عربی، ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان فعالیت‌های دیپلماتیک خود را در افغانستان توقف داده‌اند. منبع احتمال می‌دهد که شهروندان و دیپلماتان اروپایی و قطری نیز در روزهای آینده افغانستان را ترک خواهند کرد.

با این حال رحمت‌الله نبیل، رئیس عمومی امنیت ملی حکومت پیشین، به این باور است که بسته کردن شماری از سفارت‌ها به‌ویژه سفارت‌های کشورهای اسلامی که در گذشته روابط خوبی با طالبان و سران این گروه داشتند، حاوی فشار دیپلماتیک و تهدیدات شدید امنیتی بر این گروه است. آقای نبیل در صحبت با روزنامه ۸ صبح توضیح می‌دهد، زمانی که مکاتب به روی دختران بسته و سپس کار زنان در موسسه‌های خیریه در افغانستان تعلیق شد، موجی از فشارهای خفیف بر طالبان آغاز یافت. به گفته او، این موج با

با سقوط نظام جمهوری در افغانستان بیشتر کشورهای خارجی سفارت‌های‌شان در کابل را بستند و به حضور دیپلماتیک رسمی در این کشور نقطه پایان گذاشتند. در این میان روسیه، چین، ایران و پاکستان تنها چهار کشوری بودند که نماینده‌گی‌های دیپلماتیک خود را فعال نگه‌داشتند. شماری از کشورهایی که پس از روی کار آمدن رژیم طالبان در افغانستان خواستند سفارت‌خانه‌های خود را دوباره در این کشور فعال کنند، اکنون یکی پس از دیگر به فکر کوچ دیپلماتیک افتاده‌اند. عربستان سعودی به‌تازگی دیپلماتانش را از افغانستان بیرون کشیده است. این اقدام دولت سعودی پرسش‌های زیادی را در اذهان عامه به میان آورده است. کارشناسان سیاسی بسته شدن سفارت عربستان در کابل را گامی به سوی انزوای بیشتر طالبان می‌خوانند و تاکید دارند که این گروه ظرفیت تعامل با جهان را ندارد. رئیس پیشین امنیت ملی کشور نیز معتقد است که بسته شدن سفارت‌های کشورهای اسلامی در کابل، ادامه فشارهای دیپلماتیک بر طالبان و به دلیل تهدیدهای بلند امنیتی است. منابع اما به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که بستن سفارت‌ها در کابل در اثر شکننده‌گی اوضاع امنیتی و تیره بودن آینده کشور زیر پرچم طالبان است.

عربستان سعودی یکی از کشورهای قدرت‌مند اسلامی در خاور میانه است. این کشور با توجه به توانمندی مالی و وجهه مذهبی‌اش، نقش مهمی در تحولات جهان اسلام دارد. ریاض با کابل دست‌کم هشت دهه رابطه دیپلماتیک داشته که اکنون به نظر می‌رسد این رابطه به‌شکل بی‌پیشینه دچار گسست شده است. اما برخی از منابع می‌گویند که تقابل منافع عربستان با قطر در افغانستان، در کنار مسایل امنیتی، از موضوعات مهم دیگر برای قطع تعامل رسمی با طالبان شمرده می‌شود.

عربستان در حالی فعالیت‌های سفارتش در کابل را متوقف کرده که سه ماه پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، در ۹ قوس ۱۴۰۰ خورشیدی، ادامه فعالیت‌های دیپلماتیکش در کابل را از سر گرفته بود. منابع به روزنامه ۸ صبح تایید کرده‌اند که عربستان سعودی پنج روز پیش (پنج‌شنبه، ۱۳ دلو) سفارتش را در کابل بسته و شماری از کارمندانش را به نمایندگی سیاسی خود در اسلام‌آباد و بقیه را به ریاض منتقل کرده است.

در همین حال برخی از رسانه‌های داخلی گزارش داده‌اند که عربستان سعودی گزارش‌هایی دریافت کرده است که داعش با استفاده از یک موتر مملو از مواد انفجاری، بر ساختمان سفارت این کشور در کابل حمله می‌کند. براساس گزارش‌ها، عربستان به خاطر تهدیدات امنیتی کارمندان سفارتش را از کابل به اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان و برخی دیگرشان را به ریاض انتقال داده است. در همین حال ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان،

وقتی استعمار به دفاع از «حدیث» می‌شتابد

مدافعان سرسخت حدیث در کنار این‌که کوشیده‌اند این حدیث را معتبر و موثق جلوه دهند، در ارزش محتوایی آن نیز سخن رانده‌اند. از جمله گفته‌اند که این حدیث برای سده‌های متوالی وحدت و یکپارچه‌گی مسلمانان را تضمین کرد و نگذاشت اشخاصی که در سر خیال غصب خلافت را می‌پختند، به خود جرات این کار را بدهند؛ چون خود را تقابل با فرمایش رسول خدا و افکار عمومی مسلمانان می‌دیدند و در می‌یافتند که اقدام‌شان در این زمینه بی‌فرجام خواهد بود.

مهران موحد



عثمانی برشوراند. در گزارشی که وزارت دفاع بریتانیا در سال ۱۹۰۷ در مورد سرزمین و تاریخ عرب‌ها تهیه کرده، چنین آمده است: «آموزه‌هایی که در اسلام وجود دارد و هم‌قبیله پیامبر اسلام بودن خلیفه را حتمی می‌داند، مبتنی بر حقیقتی راسخ است. شکی نیست که هر شخصی که پیرو سنت است، باید این آموزه را بپذیرد. مشروط ساختن شایسته‌گی برای احراز خلافت به نسب قریشی داشتن، بدون تردید بر ادعاهای سلطان عثمانی که نه نسب قریشی دارد و نه ریشه در سایر قبایل عرب دارد، خط بطلان می‌کشد.» در مکاتبات متعددی که میان شریف حسین و انگلیسی‌ها صورت گرفته و در طی آن، انگلیسی‌ها شریف حسین را بر شورش علیه ترک‌ها تحریک کرده‌اند، مسأله قریشی بودن خلیفه به خوبی منعکس شده است. بریتانیای کبیر در آن سال‌ها طرفدار این بود که حکومت عربی قریشی به وجود آید و این حکومت سرزمین حجاز و پیرامون آن را در تصرف خود درآورد. بریتانیایی‌ها در جریان جنگ جهانی اول هم در این راستا کارهایی انجام دادند و از طریق خاورشناسان نزدیک به دولت بریتانیا ایده تأسیس حکومت عربی را دنبال کردند. البته دغدغه عمده این نویسنده‌گان جنبه سیاسی مسأله بود. با این حال، عالمان دین برجسته‌ای در همین سال‌ها از میان مسلمانان عرب عرض اندام کردند تا جنبه فقهی قریشی بودن خلیفه را واکاوی کنند.

رشید رضا با استفاده از مجله «المنار» در طی سال‌های متمادی، مشروعیت حکومت عثمانی را زیر پرسش می‌برد و در عوض، در پی این بود که حکومتی ایجاد شود که رهبر آن، ریشه عربی و نسب قریشی داشته باشد. رشید رضا باور به این داشت که قریشی بودن رهبر سیاسی از جمله مسلمانات دینی است و هیچ کسی به‌جز «بعضی جاهلان و برخی اشخاصی که گرایش‌های سیاسی را بر دین چیره می‌سازند» در آن تشکیک روا نمی‌دارد. به قول رشید رضا، «هرگاه مسأله‌ای وجود داشته باشد که برای اثبات آن، دلیل نیرومند در دسترس باشد و مسلمانان یا اکثر آنان در قرون اولیه اسلام بر آن اجماع کرده باشند، هرگز ما حاضر نیستیم رأی خلاف آن را بپذیریم یا به مناقشهای در مورد آن گوش دهیم. در غیر این صورت، چیزی از دین ما برای ما باقی نخواهد ماند.»

جالب این است که رشید رضا مخالفان مشروط ساختن رهبری سیاسی به نسب قریشی را متهم به «سیاسی‌سازی مسأله» می‌سازد؛ حال آن‌که می‌باید گفت قریشی بودن رهبر سیاسی ریشه در سیاست و زدوبندها و رقابت‌های سیاسی دارد و مسأله‌ای صرفاً سیاسی است. از آن گذشته، رشید رضا در مورد ادعایی، مدعی اجماع می‌شود که ادعایی مناقشه‌برانگیز و پرچون‌وچرا است و با اصول دین در تعارض قرار دارد و بعضی نخله‌ها و فرقه‌های اسلام با این ادعا از همان صدر اسلام در مخالفت قرار داشته‌اند.

مدافعان سرسخت احادیث گردآوری شده در کتاب‌های حدیث، پیوسته مخالفان خود را به پیروی از سیاست‌های استعماری در شبه‌انگیزی در سنت نبوی متهم می‌کنند و با این اتهام‌بستن‌ها قصد دارند جایگاه آنان را نزد افکار عامه تضعیف کنند؛ اما اینک با ذکر مثال روشن شد که استعمار زمانی که مصلحتش اقتضا کند، به صورت تمام‌قد به دفاع از حدیث و سنت نیز می‌پردازد. برای بازی‌گردان‌های خیمه‌شب‌بازی سیاست، منافع‌شان در اولویت قرار دارد و برای دست‌یابی به این منافع هر راهی را می‌روند. اگر احیاناً احیای فلان یا بهمان روایت فراموش‌شده بتواند آنان را کمک کند، لحظه‌ای در این کار درنگ نمی‌کنند. طنز سرنوشت، گاهی صحنه‌های عجیب را رقم می‌زند. گاهی استعمار در صدد برمی‌آید که روایتی فراموش‌شده را دوباره به یاد مسلمانان بیاورد و بدین‌گونه ارزش‌های آنان را زنده کند و به مسلمانان درس دینی آرایه دهد.

«لائمه من قریش» احتمالاً بر ساخته است و برای برآوردن اهداف سیاسی خاص، جعل و وضع شده، این است که گفت‌وگو‌هایی که در سقیفه بنی ساعده میان صحابه صورت پذیرفته و تاریخ‌نویسان مسلمان آن را در کتاب‌های‌شان ثبت کرده‌اند، از جنس گفت‌وگو‌هایی بوده که صحابه کوشیده‌اند با پیش کشیدن حجت‌های منطقی و استدلال‌های عقلانی، حرف خود را به کرسی بنشانند و در آن‌ها خبری از استناد به سخن پیامبر خدا و نص دینی نبوده است. در سقیفه بنی ساعده میان دو گروه از مسلمانان (مهاجران و انصار) گفت‌وشنیدی داغ صورت پذیرفت. انصار معتقد بودند که آنان به‌دلیل مجاهدت‌های‌شان در راه دفاع از اسلام و حضرت محمد حق دارند که یکی را از میان خود به‌عنوان جانشین رسول خدا برگزینند. نماینده‌گان قریش (ابوبکر، عمر و ابوعبیده) این‌گونه استدلال می‌کردند که عرب‌ها به علت جایگاهی که قریش دارد و نیز به این جهت که پیامبر خدا از بین آن‌ها ظهور کرده، قریش را شایسته‌تر برای رهبری سیاسی می‌دانند و از رهبری که از قبایل دیگر ظهور کند، فرمان نمی‌برند و اگر قرار باشد رهبر مسلمانان از میان انصار انتخاب شود، آشفته‌گی و اختلاف پدید می‌آید.

واضح است که اگر روایتی در این باب وجود می‌داشت، حتماً قریشیان برای تقویت ادعاهای خود به آن استناد می‌کردند و مخالفان را با این حربه به سکوت وامی‌داشتند و مجبور نبودند وارد گفت‌وگو‌های طولانی و خسته‌کن با انصار شوند. محمدعابد الجابری در «نقد العقل السياسي العربي» شرح و تفصیلی کافی در این مورد ارائه کرده و نشان داده که آن شمار از یاران پیامبر خدا که در سقیفه گرد هم آمده بودند تا در خصوص تعیین رهبر سیاسی آینده مسلمانان رای‌زنی کنند، هیچ‌وقت حرفی از آیت و روایت نزدند.

اهل سنت و جماعت که عموماً معتقد به لزوم قریشی بودن خلیفه بودند، بعدها مجبور شدند این شرط را در رهبر سیاسی نادیده بگیرند و از کنار آن شتابان عبور کنند. مثلاً عثمانی‌ها صدها سال بر سرزمین‌های اسلامی فرمان‌روایی کردند، بدون آن‌که نسبتی با قریش یا حتا عرب داشته باشند. فقیهان مسلمان برای این‌که در برابر عمل انجام‌شده قرار گرفته بودند، تبصره‌هایی بر این شرط اضافه کردند تا برای وضع به‌وجودآمده، توجیهی تراشیده باشند. از جمله شماری از آن‌ها گفتند که قریشی بودن رهبر سیاسی شرط اولویت است نه وجوب. یا گفتند که قریشی بودن رهبر سیاسی در صورتی لازم است که هم‌زمان با آن، قهر و غلبه هم وجود داشته باشد و حالا که قهر و غلبه از آن دیگران است، شرط قریشی بودن ساقط شده است. در یکی از برهه‌های زمانی که موضوع قریشی بودن خلیفه مسلمانان به بحثی داغ تبدیل شد، سال‌های آخر عمر خلافت عثمانی بود و این دقیقاً مصادف به سال‌هایی بود که خلافت عثمانی به مرد بیمار اروپا مبدل شده بود. در این سال‌ها استعمار بریتانیا در تلاش بود که رابطه عرب‌ها را با ترک‌های عثمانی پرتنش بسازد و رهبران سیاسی عرب را علیه خلافت

این کار را بدهند؛ چون خود را تقابل با فرمایش رسول خدا و افکار عمومی مسلمانان می‌دیدند و در می‌یافتند که اقدام‌شان در این زمینه بی‌فرجام خواهد بود. بگذارید بدون پیش‌پندار به سراغ روایت «لائمه من قریش» برویم؛ مخصوصاً با توجه به این‌که اینک فضا برای صریح حرف زدن در این‌باره مساعد است؛ چون دگرگونی‌های ژرف و همه‌جانبه‌ای در جهان روی داده و اکنون قریشی بودن یا قریشی نبودن رهبر مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیست. قرائن عقلی و نقلی بسیاری این نکته را برملا می‌کند که این روایت از همان روایت‌های ساخته‌گی است که برای به‌کارگیری در جهت برآوردن اهداف و منافع گروهی خاص جعل شده و به پیامبر خدا نسبت داده شده است. بگذریم از این‌که از همان صدر اسلام، گروه‌های سیاسی و نخله‌های فکری نیرومندی وجود داشته‌اند که موضوع «رهبری سیاسی مسلمانان» را مختص به گروهی خاص نمی‌شمرده و آن را متعلق به همه می‌دانسته‌اند. برای نقد این حدیث می‌توان راه‌های متفاوتی را پیمود. از جمله راه‌ها این است که ثابت کنیم این روایت با روایت‌های دیگری که از پیامبر خدا نقل شده، در تضاد قرار دارد. از باب مثال، از پیامبر خدا نقل شده که ایشان مسلمانان را به «سمع و طاعت» از حاکم در هر شرایط فراخوانده، هرچند شخصی که بر آن‌ها حکمرانی می‌کند، «برده سیاه‌پوستی باشد که سرش در کوچکی همانند کشمش باشد». این روایت، این مسأله را آشکار می‌کند که اشکالی ندارد که رهبر سیاسی مسلمانان برده حبشی باشد.

از عمر بن خطاب، خلیفه دوم مسلمانان، نیز نقل شده که در لحظات مرگش گفته بود: «اگر سالم، مولای ابی‌حذیفه، زنده می‌بود موضوع جانشینی را به شورای شش‌نفره واگذار نمی‌کردم و بی‌شک و تردید وی را به جانشینی خود بر می‌گزیدم.» سالم از اهالی فارس بود و سابقه برده‌گی داشت. با وجود این، عمر بن خطاب وی را شایسته خلافت می‌دانست و کسی از صحابه هم اعتراضی بر این اظهارات نکرد و وی را متهم به مخالفت با دستور رسول خدا ناساخت.

از همه این‌ها گذشته، مسلمانان همواره با افتخار از این حرف می‌زنند که با ظهور اسلام امتیازات قبیله‌ای و برتری‌خواهی‌های نژادی و قومی ملغاً شده و انسان‌ها باهم مساوی تلقی شده‌اند و از منظر اسلام هیچ‌کس از دیگری، جز به پارسایی و پرهیزکاری، برتری ندارد. با این حساب، آیا این ادعا که به جز قبیله قریش، شخص یا قبیله دیگر شایسته‌گی احراز مسولیت رهبری مسلمانان را ندارد، تلاش برای زنده کردن نعره‌های جاهلی و افتخارات موهوم نیست؟ آیا امکان دارد علمای اسلام بر امری اجماع کنند که با گوهر آموزه‌های دین در تعارض قرار دارد؟ شخصی که عرب یا قریشی نیست، چه‌گناهی را مرتکب شده که با اصل و نسب متفاوت چشم به جهان گشوده تا سزایش این باشد که از حق رسیدن به رهبری مسلمانان محروم شود؟

یکی از قرائن و شواهدی که ثابت می‌کند روایت

یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیزی که قسمت مهم وقت پژوهش‌گران عرصه تاریخ اسلام به آن اختصاص یافته و به احتمال زیاد در آینده نیز چنین خواهد بود، موضوع چگونگی گردآوری حدیث و پیامدهای خواسته یا ناخواسته این گردآوری است. می‌دانیم که حدیث (سنت) پس از گذشت دو قرن از وفات رسول خدا یا اندکی کمتر از آن، جمع‌آوری شده و همین امر زمینه را برای دخل و تصرف عوامل گوناگون، اعم از گرایش‌های مذهبی-فرقه‌ای، اختلاف‌های اجتماعی و نژادی و کشمکش‌های سیاسی، در روند نقل و تدوین حدیث فراهم آورده و سبب شده که برخورد ما با سنت، همواره محتاطانه و با عدم اطمینان و قطعیت همراه باشد.

برای اثبات این نکته مثال‌های بی‌شماری می‌توان ذکر کرد که در طول تاریخ، روایت‌های منسوب به پیامبر خدا در بسا موارد به‌عنوان دستاویزی دینی برای توجیه منافع مذهبی و سیاسی به کار گرفته شده است. در این میان، آن‌چه بیش از هر عامل دیگری دست سوءاستفاده‌گران را باز گذاشته و موجب شده با آزادی بیشتر وارد عمل شوند، تأخیر در تدوین حدیث نبوی است. البته باید در جایش به این موضوع هم پرداخت که هم‌عرض و هم‌سنگ قرار دادن سنت با قرآن نیز یکی از علت‌هایی است که جمود و تجمد را در اندیشه دینی نهادینه کرده و میدانی برای جولان عقل و خرد انسانی باقی نگذاشته است.

یکی از عرصه‌هایی که روایت‌های منسوب به پیامبر خدا در آن، زمینه‌ساز جمود و ایستایی شده، عرصه فقه سیاسی اسلام است. طبیعی است که حکومت‌های مختلف در طول تاریخ، برای تضمین ماندگاری خود بهترین و میان‌بُرتین راه را این می‌دانسته‌اند که حدیث جعل کنند و به نام سخن پیامبر خدا به خورد مردم بدهند تا آنان را قانع به فرمان‌بری از خود کنند. مردم هم که گرفتار ذهن روایت‌زده بوده و چه بسا ایادی حکومت‌ها در روایت‌زده شدن ذهن مردم نقش داشته‌اند، به آسانی فریب تبلیغات حاکمانی را می‌خورده‌اند که از سنت نبوی برای تقویت پایه‌های حکومت‌های خود مایه می‌گذاشته‌اند.

یکی از روایت‌هایی که در شکل‌دهی اندیشه سیاسی مسلمانان اهل سنت، عاملی مؤثر بوده، روایتی است که رهبری سیاسی مسلمانان را منحصر در «قبیله قریش» می‌کند و دیگران را از منازعه و کشمکش با قریش بر سر حاکمیت سیاسی برحذر می‌دارد. این روایت به عبارت‌های مختلف در بسیاری از کتاب‌های حدیث از جمله صحیح بخاری و صحیح مسلم آمده است. مثلاً در سندی از این روایت در صحیح بخاری آمده که رسول خدا فرمود: «خلافت و حکومت‌داری در قریش است تا زمانی که قریشیان دین را برپا دارند و هر شخصی که با آن‌ها در این زمینه دشمنی ورزد، خداوند در دوزخ نگون‌سارش می‌سازد.» در روایت مسلم آمده: «این دین با خلیفه‌گانی که همه‌گی قریشی هستند، عزیز خواهد ماند.»

با توجه به این روایت که از طُرُق متعددی نقل شده، دیدگاه اهل سنت و جماعت بر این قرار گرفته که یکی از شرط‌های اصلی برای احراز صلاحیت رهبر سیاسی شدن، نسب قریشی داشتن است. امام شرف‌الدین نووی مدعی اجماع در این زمینه شده است. همچنان ابوالحسن ماوردی در «الاحکام السلطانیة» در مقام ذکر شروط امام اعظم نوشته است: «باید امام قریشی باشد؛ چون در این‌باره نص وارد شده، افزون بر آن‌که اجماع بر آن منعقد شده است.»

مدافعان سرسخت حدیث در کنار این‌که کوشیده‌اند این حدیث را معتبر و موثق جلوه دهند، در ارزش محتوایی آن نیز سخن رانده‌اند. از جمله گفته‌اند که این حدیث برای سده‌های متوالی وحدت و یکپارچه‌گی مسلمانان را تضمین کرد و نگذاشت اشخاصی که در سر خیال غصب خلافت را می‌پختند، به خود جرات

بازسازی شاهراه هرات - غور؛

طالبان بازو را از مردم پول گردآوری می‌کنند

باشنده‌گان ولایت غور گردآوری پول برای بازسازی شاهراه هرات - غور بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی مردم را «ظلم آشکار» از سوی طالبان عنوان می‌کنند و می‌گویند که در زمستان امسال بیشتر آنان درآمد خاصی نداشته و در حال حاضر حتا توان پرداخت ۵۰ افغانی پول به طالبان را ندارند. به گفته آنان، طالبان هر خانواده را مکلف به پرداخت یک هزار افغانی ساخته‌اند تا شاهراه هرات - غور را بازسازی کنند.



۸ صبح، غور

او می‌گوید: «هنوز یک ماه نگذشت که از ما پول اضافه گرفتند. مالیه را دوازده برابر از ما زیاد گرفتند. حالا دوباره آمده برای ساخت سرک پول می‌خواهند.» گلاب‌شاه اضافه می‌کند که پول مالیه را نیز قرض گرفته است، اما طالبان حالا مبلغ ۱۰ هزار افغانی دیگر برای اعمار شاهراه هرات - غور از او طلب دارند. این دکان‌دار توضیح می‌دهد که توان پرداخت این مقدار پول را ندارد، اما میل تفنگ طلب او را مجبور ساخته تا این مبلغ را پیدا و پرداخت کند. گلاب‌شاه علاوه می‌کند: «طلب با زور تفنگ از ما پول جمع‌آوری می‌کند. کی می‌تواند بگوید من پرداخت نمی‌کنم؟ حکومت این‌ها جبری است و چیزی که گفتند به مردم نگاه نمی‌کنند که سیر هستند یا گرسنه، فقط می‌گویند پول بده و باید بدهیم.»

دکان‌داران در شهر فیروزکوه خاطر نشان می‌سازند که نظر به کاسبی و شغل‌شان تا ۲۷ هزار افغانی نیز برای بازسازی شاهراه هرات - غور پول پرداخته‌اند. گردآوری پول برای بازسازی این شاهراه تنها به کارمندان اداره‌های دولتی، باشنده‌گان محل و کسبه‌کاران خلاصه نمی‌شود، بلکه طالبان از راننده‌گان موترهای مسافربری و باربری نیز پول می‌گیرند. یک منبع در ولایت غور که خواست نامش در این گزارش درج شود، به روزنامه ۸ صبح گفت که طالبان در ابتدا فیصله کرده بودند تا موترهای مسافربری مبلغ پنج هزار افغانی و موترهای باربری مبلغ ۱۰ هزار افغانی برای ساخت این شاهراه بپردازند، اما نزدیکان او که موتر مسافربری در این شاهراه دارند، گفته‌اند که افراد طالبان از موترهای مسافربری مبلغ ۱۰ هزار افغانی و از موترهای باربری مبلغ ۳۰ هزار افغانی گردآوری کرده‌اند. این منبع می‌افزاید: «در اول طالب فیصله کرد که موترهای مسافربری پنج هزار و باربری ۱۰ هزار، اما حالا بچه کاکایم که در این مسیر کار می‌کند، برایم گفت که از موترهای مسافربری ۱۰ هزار و از موترهای باربری ۳۰ هزار افغانی جمع می‌کنند.»

طالبان در حالی از باشنده‌گان غور برای بازسازی شاهراه هرات - غور پول گردآوری کرده که این گروه یک حساب بانکی نیز برای کمک به اعمار این شاهراه ایجاد کرده‌اند. با ایجاد این حساب بانکی، طالبان از شهروندان کشور در داخل و بیرون از افغانستان خواسته‌اند تا آنان را همکاری مالی کنند.

گروه طالبان در حالی از مردم غور پول جمع‌آوری می‌کنند که این ولایت از ولایت‌های به‌شدت محروم است. باشنده‌گان این ولایت با وضعیت ناگوار اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و شماری از خانواده‌های بی‌ضیافت حتا توان سیر کردن شکم خود را ندارند. راه‌های این ولایت به هرات و پایتخت تا هنوز اسفالت نشده و در فصل سرما با بارش نخستین برف به روی عابران مسدود می‌شود. باشنده‌گان این ولایت بارها برای اسفالت این شاهراه‌ها دادخواهی کردند، اما توجهی به آن صورت نگرفت. از سوی دیگر، طالبان در برخورد با اهالی این ولایت از هیچ مدارایی کار نمی‌گیرند. از این پیش افراد این گروه کمک‌های توزیع‌شده توسط یک موسسه را نیز از یک شمار باشنده‌گان این ولایت ضبط کرده بودند تا به کارگرانی توزیع کنند که راه‌های روستاها به ولسوالی و مرکز غور را بازسازی خواهند کرد.

مسوولان محلی طالبان در یک اقدام تازه تصمیم گرفته‌اند شاهراه هرات - غور را بازسازی کنند. آنان برای انجام این کار، از کارکنان اداره‌های دولتی، کسبه‌کاران، بازرگانان و باشنده‌گان ولایت غور به‌گونه اجباری پول گردآوری کرده‌اند. براساس اظهارات باشنده‌گان محل، هر خانواده مکلف است مبلغ یک هزار افغانی، کارکنان دولت معاش یک‌ماهه و کسبه‌کاران بین ۷ تا ۲۷ هزار افغانی پول بپردازند. تصمیم گردآوری پول از سوی والی طالبان برای غور در یک نشست اداری به کارکنان اداره‌ها ابلاغ شده است. این تصمیم طالبان با واکنش‌های برخی از کارکنان اداره‌های دولتی، باشنده‌گان محل و کسبه‌کاران مواجه شده است. آنان می‌گویند که طالبان بدون در نظر داشت وضعیت نابه‌سامان اقتصادی، آنان را به پرداخت پول وادار می‌سازند.

غلام‌نبی، یکی از آموزگاران در شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور است که با معاش اندکش هزینه زنده‌گی خانواده هشت‌نفری را تامین می‌کند. او با انتقاد از تصمیم تازه طالبان می‌گوید که این کار هیچ توجیه منطقی ندارد. غلام‌نبی می‌افزاید که پرداخت معاش یک‌ماهه جهت اعمار شاهراه برایش سنگینی می‌کند. این آموزگار اضافه می‌کند: «هشت نفر خانوار هستم، همین معاش ماهی هفت و هشت هزار یا کمتر از آن که می‌گیرم، زنده‌گی ما را اندکی می‌چلانند. یک ماه مجبور روغن و برنج بخرم و ماه دیگر آرد و دیگر وسیله خانه. اما یک ماه گرفتن معاش منی که با آن زنده‌گی را می‌چلانم، مرا حیران کرده است.»

باشنده‌گان ولایت غور گردآوری پول برای بازسازی شاهراه هرات - غور بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی مردم را «ظلم آشکار» از سوی طالبان عنوان می‌کنند و می‌گویند که در زمستان امسال بیشتر آنان درآمد خاصی نداشته و در حال حاضر حتا توان پرداخت ۵۰ افغانی پول به طالبان را ندارند. به گفته آنان، طالبان هر خانواده را مکلف به پرداخت یک هزار افغانی ساخته‌اند تا شاهراه هرات - غور را بازسازی کنند.

لیلما، باشنده منطقه پایین میدان شهر فیروزکوه است. او می‌گوید که مسوولان طالبان هفته گذشته از برادرش یک هزار افغانی گرفته‌اند تا شاهراه بازسازی شود. خانم لیلما می‌افزاید: «زور طالب را کسی ندارد فعلا. خودشان می‌دانند که مردم چیزی ندارند، اما از برادرم یک هزار گرفتند که ما کار ساخت سرک هرات - غور را آغاز می‌کنیم.»

کسبه‌کاران و دکان‌داران در شهر فیروزکوه که هنوز درد اضافه‌ستانی طالبان زیر نام مالیه را فراموش نکرده‌اند، می‌گویند که طالبان دوباره از آنان برای اعمار شاهراه هرات - غور پول خواسته‌اند. این کسبه‌کاران می‌افزایند که طالبان نظر به نوع فعالیت، از آنان بین ۷ تا ۲۷ هزار افغانی پول مطالبه کرده‌اند تا این شاهراه بازسازی شود.

گلاب‌شاه که در شهر فیروزکوه دکان خوراکی‌فروشی دارد، می‌گوید که طالبان ۲۵ روز پیش از آنان بدون در نظر داشت سرمایه، فروشات و عواید نزدیک به ۱۰۰ هزار افغانی مالیه گرفتند، در حالی که براساس نرم مالیاتی، مالیه دکان او کمتر از ۱۰ هزار افغانی است؛ مقداری که او در حکومت قبلی نیز پرداخت می‌کرد.

خشونت علیه نظامیان پیشین؛

دل سربازان بے سرنوشت در ایران مے لرزد

عبدالواسع عرفان

زخمی‌ها خشونت نمی‌کردیم، شوخی می‌کردیم، اما طالبان هتک حرمت می‌کردند، زخمی‌ها را می‌کشتند یا اگر نمی‌مرد، لت‌وکوب می‌کردند. این نظامی پیشین اهل فاریاب که بیشتر جنگ‌جویان و فرماندهان طالبان در منطقه او را می‌شناسند، لبخند می‌زند و اضافه می‌کند: «اگر رد مرز شوم، مستقیماً خانام در قبرستان خواهد بود.» امید دارم این روز هیچ وقت فرا نرسد.

این روزها نظامیان پیشین افغان در ایران با مشکلات کم‌کاری، فقدان یا کمبود درآمد و نبود امکان حمایت از خانواده به دلیل کمبود درآمد روبه‌رویند و همچنان خطر احتمالی ردمرز شدن و افتادن به کام اقدامات غیرقابل پیش‌بینی طالبان را در برابرشان احساس می‌کنند. این خطر اما با تهدیدهای بیشتر طالبان علیه نظامیان پیشین، جدی‌تر می‌شود.

عظیم‌خان حدود هشت سال سرباز اردوی ملی بود. او می‌توانست به پاکستان برود، زیرا از ولایت ننگرهار است، اما با دوستانش که از بدخشان و بغلان هستند، به ایران مهاجر شده است. عظیم‌خان می‌گوید که اگر در ننگرهار می‌بود، حتماً کشته می‌شد؛ زیرا بارها طالبان نزدیک به خودشان کشتن او را «سوگند» خورده‌اند. او در افغانستان فارسی را با لهجه پشتو و به قول دوستانش شیرین گپ می‌زد، اما حالا ترکیبی از لهجه ایرانی و فارسی پشتوزبان دارد که شیرین‌تر شده است. این نظامی پیشین می‌افزاید: «بیش از هفت سال با طالبان جنگیده بودم. اگر می‌بودم، قسم‌شان را عملی می‌کردند. اگر جبرا به وطن بروم، قسم‌شان را نمی‌شکنم.»

پس از تسلط گروه طالبان و سقوط نظم جمهوری، به جز برخی از نظامیانی که در برنامه‌های تخلیه کشورهای عضو ناتو شامل شدند، اکثر ۳۵۰ هزار نیروی امنیتی افغانستان بی‌سرنوشت، آواره و گرفتار روزهای تلخ گوناگون شده‌اند. به گزارش رویترز و به نقل از آنتینو در دلو امسال، بیش از ۱۰۰ نظامی پیشین افغانستان پس از سقوط جمهوری کشته شده‌اند.

این آمار اما به دلیل نبود دسترسی به آزادی اطلاعات در وضعیت فعلی افغانستان واقع‌بینانه نیست. مثلاً در ماه جولای ۲۰۲۲ تحقیقات هفت‌ماهه «نیویارک تایمز» نشان داد که نزدیک به ۵۰۰ کارمند پیشین دولت افغانستان و اعضای نیروهای امنیتی، تنها در جریان شش ماه اول قدرت طالبان کشته یا ناپدید شده‌اند.

حبیب (نام مستعار)، یکی از نظامیان پیشین که در قطعه واکنش سریع کار می‌کرد و پس از سفر به ایران برای مدتی در یک گوشه دوردست تهران، پایتخت این کشور، مشغول کارهای ساختمانی بود، می‌گوید: «برادرم هم در صفوف نیروهای امنیتی بود. حالا او در افغانستان زنده‌گی پنهانی دارد. به یکی از ولسوالی‌های دوردست رفته است؛ جایی که یکی از خویشان ما بود. به خاطری که پسر خاله‌ام را طالبان بردند و دیگر خبری ازش نشد. حالا من بیکارم، اما با نبود کار و درآمد، این وضعیت را به امید زنده ماندن تحمل می‌کنم. چطور بروم افغانستان؟ تعدادی از طالب‌ها دنبال چشم‌درد می‌گردند.»

نظامیان پیشین در ایران، حتا زمانی که از آن‌ها بپرسید که از چه کسی، چه چیزی می‌خواهید، حیران می‌مانند که چه پاسخ بدهند؛ زیرا نمی‌دانند از چه کسی بخواهند و چه چیزی بخواهند. امید تقریباً همه آنان همین است که روزی از ایران به جایی برسند که دیگر نام طالبان، نگرانی کلاهی در ذهن‌شان ایجاد نکند. اما این را از هیچ‌کسی نمی‌خواهند؛ چون به تمام معنا احساس بی‌کسی می‌کنند. آمار نظامیان پیشینی که به ایران فرار کرده‌اند، به دلیل قاچاقی بودن این ورود، مشخص نیست؛ اما به‌صورت تخمینی حداقل حدود ۱۰۰ هزار نیروی امنیتی پیشین افغانستان با سقوط نظام جمهوری در ۲۴ اسد سال گذشته خورشیدی وارد ایران شده‌اند و در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند.

بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان حکومت پیشین در افغانستان با سقوط نظام جمهوری آغاز شد و این روزها بیشتر شده است. براساس گزارش‌های نشرشده در ماه دلو امسال، تنها در یک روز سه خبر از قتل، ربایش و بازداشت نظامیان پیشین در افغانستان نشر شده است. براساس گزارش‌ها، در ۱۵ دلو سال روان خورشیدی طالبان در پنجشیر پنج تن به شمول دو نظامی پیشین را بازداشت کردند. در همان روز، افراد مسلح در سمنگان یک نظامی حکومت پیشین را ربودند و دو جوان که اعضای نیروهای نظامی پیشین بودند، به‌گونه «شنیع» در جوزجان کشته شدند.

در رویدادهای خبرساز و جدی، منابع محلی به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که جسد ستار سیرت، عضو نیروهای ویژه ارتش حکومت پیشین، پس از دو هفته بازداشت از سوی طالبان، روز جمعه، ۱۴ دلو، از دره‌های مربوط به ولایت جوزجان پیدا شده است. یک نوار تصویری نیز به نام او در شبکه‌های اجتماعی در بازتشر متداول است. براساس اطلاعات منابع، سیرت به‌گونه شنیع و بی‌رحمانه به قتل رسیده است. همچنان منابع محلی در جوزجان می‌گویند که جسد به آتش کشیده شده عنایت‌الله، از نیروهای پولیس حکومت پیشین، در ولسوالی فیض‌آباد این ولایت پیدا شده است.

این خبرها، به قول نظامیان پیشین در ایران، علاوه بر نگرانی‌های دیگری که خودشان دارند، شکنجه روانی اضافی برای آنان است؛ زیرا آنان تا رد مرز شدن به وطن و روپارویی با مرگ احتمالی، فاصله زیادی ندارند و خودشان را در بُن‌بست حس می‌کنند.



برهان از نظامیان پیشین اردوی ملی است که در ولایت فاریاب خدمت می‌کرد. او با سقوط نظام جمهوری ناگزیر شد به ایران فرار کند. برهان به روزنامه ۸ صبح می‌گوید با خاطراتی که از زمان ماموریتش در فاریاب دارد، وقتی نام طالب را از کسی می‌شنود، دردهای بزرگی که کشیده است، پیش چشمش می‌آید. او آرزو دارد روزی راهی بیاید که از خطر بیرون شود و جایی برود که از دسترس طالبان به‌طور کامل دور باشد؛ اما اگر به قول خودش «خدای خواسته» نتواند، ترجیح می‌دهد در ایران بمیرد. برهان ۲۶ ساله می‌گوید: «در اواخر جمهوری، مشکلات زیاد بود و امکانات کم شده بود. وقتی هم‌سنگرهای ما حتا می‌خواستند بروند بدون سلاح به پوسته آب بیاورند، [طالبان] با مرمی به فرق‌شان می‌زدند. ما اما پیش از آن، وقتی که آن‌ها را بازداشت می‌کردیم، قوانین حقوق بشری را به ما یاد داده بودند و رعایت می‌کردیم.»

برهان می‌افزاید که در قوماندانی امنیه معاون پوسته بوده است. در جریان تقریباً همه جنگ‌هایی که او اشتراک کرده، به جز سال آخر که دولت ضعیف شده بوده، همواره طالبان را شکست داده، اما «با طالب همیشه برخورد مردانه» داشته است: «ما هیچ وقت بی‌احترامی به اجساد کسی نمی‌کردیم. موسفیدان که می‌آمدند، با حرمت مرده‌ها را برای‌شان تسلیم می‌کردیم. با

رابطه تنش آلود جنرال مشرف با افغانستان



مصطفی مدثر

جنرال پرویز مشرف از پرحاشیه‌ترین و مقتدرترین جنرالان ارتش پاکستان بود که روز ۵ فروری در سن ۷۹ سالگی درگذشت. وی زنده‌گی پر از فراز و فرود و پیچیده داشت. مشرف متولد ۱۹۴۳ در دهلی هندوستان بود که پس از تجزیه شبه‌قاره به دو کشور در پنج‌ساله‌گی به پاکستان مهاجرت کرد و با پدرش که یک دیپلمات دستگاه هند بریتانوی بود، در کراچی مسکن‌گزین شد. مشرف بخشی از کودکی‌اش را در ترکیه به دلیل وظیفه پدرش گذراند و در سال ۱۹۶۴ به ارتش پاکستان پیوست. آموزش‌های نظامی را در دانشگاه نظامی کویت و کالج سلطنتی مطالعات دفاعی لندن سپری کرد. پایان‌نامه مشرف در کالج سلطنتی روی جنگ محدود با هندوستان نوشته شده بود که بعدها از این شیوه جنگ با هندوستان و افغانستان استفاده کرد. جنرال مشرف پس از وظایف مهم در ارتش پاکستان در سال ۱۹۹۸ از سوی نواز شریف، نخست‌وزیر وقت پاکستان، به‌عنوان رییس ارتش پاکستان جانشین جنرال جهان‌گیر کرامت شد و در سال ۱۹۹۹ پس از یک درگیری در منطقه مرزی کارگیل میان هندوستان و پاکستان با نواز شریف اختلاف پیدا کرد و کوتادی نظامی را رقم زد و تا سال ۲۰۰۸ به‌عنوان رییس ستاد ارتش و رییس جمهور پاکستان باقی ماند. جنرال مشرف از چهار جنگ که میان هندوستان و پاکستان صورت گرفته، در سه جنگ آن حضور مستقیم داشته است؛ جنگ ۱۹۶۵، جنگ ۱۹۷۱ و جنگ ۱۹۹۹.

وقتی این جنرال چهارستاره کودتای نظامی راه‌اندازی کرد و زمام امور پاکستان را به دست گرفت، رابطه پاکستان با جهان از جمله ایالات متحده به تیره‌گی گراییده بود. به دلیل این‌که پاکستان برای نخستین بار در ۲۸ می ۱۹۹۸ سلاح هسته‌ای‌اش را آزمایش کرد و ایالات متحده آمریکا هم با تصویب «لایحه پرسلر» شدیدترین تحریم‌ها را علیه پاکستان وضع کرد. مشرف حکومتی را رهبری می‌کرد که نخست‌وزیر منتخبش را سرنگون کرده بود و کشوری که دارای سلاح هسته‌ای شده و یک جنگ محدود را هم با هند پشت سر گذرانده بود. پاکستان با کشورهای غربی هم روابط تنش‌زا داشت و در همسایه پاکستان، طالبان در قدرت بودند.

وقتی حمله ۱۱ سپتامبر اتفاق می‌افتد، جنرال مشرف در کتاب معروفش «در خط آتش» می‌نویسد که یک جلسه نظامی را رهبری می‌کند. دست‌یاری می‌آید و می‌گوید که معاون وزیر خارجه آمریکا پشت خط است و اصرار دارد که باید صحبت کند. ریچارد آرمیتاژ، معاون وزیر خارجه آمریکا، به مشرف می‌گوید که اگر با آمریکا در مورد اسامه و طالبان همکاری نکنند، پاکستان را بمباران می‌کند،

طوری که این کشور را به عصر حجر برخواهد گرداند. می‌گوید یا با ما، یا علیه ما. مشرف در کتابش توضیح می‌دهد که چطور می‌توانست علیه آمریکا و کنار طالبان ایستاد شود، ولی تصمیم می‌گیرد که با آمریکا همکاری کند. آمریکا پس از حضور در افغانستان، تمام تحریم‌ها علیه پاکستان را برمی‌دارد و کمک‌های میلیاردری به این کشور را از سر می‌گیرد.

مشرف با همکاری سی‌آی‌ای و ارتش آمریکا چهره‌های درشت القاعده و طراحان ۱۱ سپتامبر مانند خالد شیخ محمد، ابوزبیده و ابو فرج اللیبی را در بخش‌های مرزی پاکستان و افغانستان بازداشت می‌کند و تحویل آمریکا می‌دهد و با جدیت علیه افراطیت و تروریسم به مبارزه برمی‌خیزد، تا این‌که آمریکا در عراق مشغول می‌شود و موضوع تروریسم در افغانستان و پاکستان به حاشیه می‌رود. اما این مبارزه متمرکز علیه القاعده و افراط‌گرایان و عرب‌هایی است که پس از شکست طالبان به مناطق قبایلی پاکستان پناه بردند. افراط‌گرایان چهار بار بر پرویز مشرف حمله می‌کنند و حتا او را زخمی می‌سازند.

جورج بوش، رییس جمهور پیشین آمریکا، در کتاب خاطراتش «لحظات تصمیم» از مشرف به نیکویی یاد می‌کند و او را همکار آمریکا در امر مبارزه با تروریسم می‌داند. بوش می‌گوید وقتی که میان حامد کرزی و پرویز مشرف بر سر ظهور مجدد طالبان در افغانستان اختلاف ایجاد می‌شود و آن‌ها در کنفرانس‌های مطبوعاتی علیه هم‌دیگر موضع می‌گیرند، هر دو را به آمریکا دعوت می‌کند. جرج بوش می‌نویسد: «همین‌طور که شورش‌ها بیشتر می‌شد، حامد کرزی از مشرف خشمگین شد. مشرف را به ناپایداری کردن وضعیت افغانستان متهم کرد. با این اظهارات به مشرف توهین شد. تا پاییز سال ۲۰۰۶ خیلی به‌ندرت مشرف و کرزی باهم صحبت می‌کردند. تصمیم گرفتم با دیپلماسی شخصی وارد ماجرا شوم. در سپتامبر ۲۰۰۶ هر دو رییس جمهور را به شام در کاخ سفید دعوت کردم. وقتی از آن‌ها در «رزگاردن» استقبال کردم، آن‌ها از دست دادن و حتا نگاه کردن به هم اجتناب کردند. تا وقتی در اتاق غذاخوری نشستیم، اوضاع بهتر نشد.» در این نشست جورج بوش، دیک چنی، معاون رییس جمهور، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه و استیو هدی، مشاور شورای امنیت آمریکا، حضور داشته‌اند. «دیدیم که کرزی و مشرف به هم کنایه می‌زدند. یک‌جا کرزی، مشرف را متهم کرد که به طالبان پناه داده است. مشرف به تندی پاسخ داد: به من بگو که کجایند؟ کرزی با عصبانیت گفت: خودت خوب می‌دانی که کجایند. مشرف در جواب گفت: اگر می‌دانستم، می‌گرفتم‌شان. کرزی اصرار کرد که برو حتماً این را بکن.» بوش به مشرف و

کرزی می‌گوید که دعوای شخصی آن‌ها برای دو کشور قمار بزرگی است.

پس از این سفر حامد کرزی جرگه امن منطقه‌ای میان افغانستان و پاکستان را برگزار می‌کند تا بتواند رابطه میان دو کشور را ترمیم کند. جوج بوش به زلمی خلیل‌زاد دستور می‌دهد تا به پاکستان برود و مستقیم در مورد افغانستان با مشرف صحبت کند. حامد کرزی هم به دست زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در افغانستان، اناز قندهار به مشرف هدیه می‌فرستد تا نشان از حسن نیت داشته باشد. زلمی خلیل‌زاد در کتاب «فرستاده» می‌نویسد که رییس جمهور پاکستان با قهر می‌گوید که اصلاً اناز دوست ندارد.

مشرف آدم بسیار مطبوعاتی و رک بود. در ارتش پاکستان پیشینه ندارد که یک مقامش رک و بی‌پرده در رسانه‌ها ظاهر شود؛ اما مشرف این کار را می‌کرد و در مورد افغانستان اظهار نظر جنجالی‌برانگیز داشت. مشرف بار در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: «تمام قدرت در افغانستان به دست پنجشیری‌ها است و حتماً در میدان هوایی کابل تصویر بزرگی از احمدشاه مسعود نصب است.» جنرال مشرف در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی می‌پذیرد که در افغانستان جنگ نیابتی دارند و دلیلش را هم حضور گسترده هندوستان می‌داند. بی‌پرده می‌گوید که چرا حکومت افغانستان نظامیان و دیپلمات‌هایش را به هندوستان برای آموزش می‌برد. می‌گوید در حالی که پاکستان بارها به حامد کرزی گفت که نظامیان افغانستان را رایگان آموزش می‌دهد، اما حتا یک نفر هم برای آموزش به پاکستان فرستاده نشد. مشرف در آن گفت‌وگو خلاف تمام عرف معمول می‌گوید که باید در افغانستان یک حکومت پشتون روی کار باشد و تا وقتی هند در افغانستان علیه پاکستان فعالیت داشته باشد، این روند مداخله در امور افغانستان ادامه دارد. مشرف در سال ۲۰۱۴ در مصاحبه‌ای، مارشال فهیم و امرالله صالح را متهم به طرف‌داری از هند می‌کند.

حامد کرزی از پرویز مشرف به‌عنوان برادر یاد می‌کرد، اما جنرال مشرف در سخنرانی‌اش در آمریکا آقای کرزی را شترمرغ خطاب کرد و در مصاحبه‌ای گفت که نسبت به حامد کرزی، اشرف غنی به پشتون‌ها دل‌سوزتر است. دکتر سپنتا در کتاب «سیاست افغانستان؛ روایتی از درون» می‌نویسد که وقتی در سال ۲۰۰۶ با حامد کرزی به اسلام‌آباد می‌رود، بعد از تشریفات معمول توافق می‌شود تا تعداد شرکت‌کننده‌گان دو طرف در گفت‌وگو را محدود سازند. از «جنب افغانستان حامد کرزی، دکتر عبدالله وزیر خارجه، رحیم وردک وزیر دفاع و امرالله صالح رییس امنیت و از جانب پاکستان هم همتای‌شان حضور داشتند. جنرال مشرف در آغاز، حضور امرالله صالح در گفت‌وگو‌ها را

وقتی حمله ۱۱ سپتامبر اتفاق می‌افتد، جنرال مشرف در کتاب معروفش «در خط آتش» می‌نویسد که یک جلسه نظامی را رهبری می‌کند. دست‌یاری می‌آید و می‌گوید که معاون وزیر خارجه آمریکا پشت خط است و اصرار دارد که باید صحبت کند. ریچارد آرمیتاژ، معاون وزیر خارجه آمریکا، به مشرف می‌گوید که اگر با آمریکا در مورد اسامه و طالبان همکاری نکنند، پاکستان را بمباران می‌کند، طوری که این کشور را به عصر حجر برخواهد گرداند. می‌گوید یا با ما، یا علیه ما. مشرف در کتابش توضیح می‌دهد که چطور می‌توانست علیه آمریکا و کنار طالبان ایستاد شود، ولی تصمیم می‌گیرد که با آمریکا همکاری کند.

نپذیرفته بود. وی دقیقاً به رییس جمهور افغانستان گفته بود که حاضر نیست حضور یک پنجشیری را در گفت‌وگوها بپذیرد. حامد کرزی در جواب مشرف می‌گوید که حاضر نیست حضور یک پنجابی را در گفت‌وگوها بپذیرد. منظور کرزی، جنرال کیانی، ریاست وقت آی‌اس‌آی بود.»

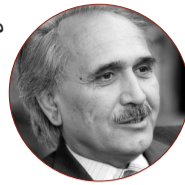
در زمان مشرف طالبان در افغانستان ظهور مجدد یافتند و تجدید قوا شدند. مشرف متهم به حمایت از طالبان است، اما تیپ شخصیت او جالب و متناقض است. وی با موسیقی میانه خوبی داشت و خود هم موسیقی می‌دانست. شماری از منابع رسانه‌ای در پاکستان می‌گویند که مادر مشرف از یک خانواده آوازخان بود و مشرف موسیقی را از مادرش آموخت. در موسیقی افغانستان به استاد ناشناس علاقه ویژه داشت که ظاهراً مشرف به زبان پشتو هم آشنایی داشته است.

فضل‌احمد معنوی در صفحه فیس‌بوکش از دیدار با مشرف یک خاطره نوشته است. در سال ۲۰۰۷ یک هیات از افغانستان برای جرگه امن منطقه‌ای به رهبری پیر گیلانی به پاکستان رفته بود تا مشکلات میان افغانستان و پاکستان را به مشرف برساند. هیات افغانستان از سوی مقام‌های پاکستانی شی در مری، منطقه‌ای در ۵۰ کیلومتری اسلام‌آباد که یک جای دیدنی و تفریحی است، مسکن‌گزین شد و برای ضیافت شب موسیقی پشتو ترتیب داده بودند. وقتی فردا مشرف می‌آید و مشکلات دو کشور را به افغانستان ربط می‌دهد که رهبران مخالف بلوچ را در افغانستان جا داده‌اند و در آخر هم از بخش تشریفات می‌پرسند که برای مهمان چه ترتیب کردند و تشریفات از موسیقی پشتو در شب گذشته حکایت می‌کند، مشرف می‌گوید که چرا ناشناس را نخواستند و باید یک طیاره می‌فرستادند و ناشناس را از لندن می‌آوردند.

مشرف نزدیک به ۱۰ سال پاکستان را رهبری کرد و با چالش‌های بسیاری مواجه شد. حمله ۱۱ سپتامبر، حضور آمریکا در افغانستان، اعلام موجودیت تی‌تی‌پی در سال ۲۰۰۷ و فروش تکنولوژی هسته‌ای از سوی قدیرخان، پدر هسته‌ای پاکستان، از چالش‌های بسیار جدی او بود که با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کرد. مشرف تنها جنرالی بود که از سوی یک دادگاه در پاکستان در سال ۲۰۱۹ به اعدام محکوم شد، اما آن حکم تطبیق نشد.

پرویز مشرف با صبا مشرف ازدواج کرد و دارای دو فرزند به نام‌های بلال مشرف و عالییه مشرف بود. مشرف پس از چند سال تبعید خودخواسته در امارات متحده عرب، روز یکشنبه، ۵ فروری، در سن ۷۹ سالگی درگذشت. جنرال مشرف در کتابش «در خط آتش» روایت زنده‌گی پر از نشیب و فرازش را حکایت کرده است.

از رویای شاعر تا سفر در توفان



محمود فارانی و شعر آزاد عروضی

نخستین تجربه‌های فارانی در اوزان آزاد عروضی به سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ خورشیدی برمی‌گردد که در کتاب «آخرین ستاره» آمده است. البته پیش از این فارانی در گزینه «رویای شاعر» دو شعر نیمایی به نام‌های «شاعر» و «جام شکسته» نیز دارد. از این‌جا می‌شود گفت که او نیمایی‌سرایی را از دهه ۳۰ خورشیدی آغاز کرده است.

شب و جلوه‌های آن، مضمون شماری از نیمایی‌هایی او را می‌سازد و گاهی هم شب و تاریکی مفهوم نمادین پیدا می‌کنند. گویی او دوست دارد تا در تاریکی شب‌ها چراغ شعرهایش را روشن کند و واقعیت زنده‌گی تهی‌دستان جامعه را روشن سازد! نخستین شعر نیمایی فارانی که در «رویای شاعر» آمده، «پاسبان» نام دارد.

بازار در سیاهی شب غرق گشته بود

خفاش پیر و کور

در آسمان تیره و مرموز می‌پرید

یک جوجه‌سگ خاموش

در زیر یک دکان قصابی فتاده بود

ترسیده می‌مکید یکی پاره‌استخوان

بر سنگ‌فرش سرد خیابان در آن طرف

در پرتو بنفش یکی نیلگون چراغ

یک پاسبان پیر

در انتظار خنده‌ی صبح ایستاده بود

آواز زنگ ساعت یک برج دوردست

یک بار قلب خامشی ژرف را شکافت

چشمان پاسبان

از خشم برق زد

او خسته بود و تیره‌شب بی‌سحر هنوز

آرام شهر را به بر خویش می‌فشرد

چشمان نیمه‌باز و پر از خواب پاسبان

در پرتو بنفش

از شیشه‌های پنجره‌ی روشن دکان

برگنجه‌های خفته‌ی آن میخ‌کوب ماند

وانگه نگاه او چو یکی خسته عنکبوت

آهسته روی موزه‌ی طفلانه‌ای خزید

در گوش او صدای غم‌انگیز کودکی

پیچید با ترانه‌ی یک باد رهگذر

فرداست عید و بابا پایم برهنه است

(رویای شاعر، ص ۲۲)

در نخستین سطرهای شعر، با شب روبه‌رو می‌شویم، با تیره‌گی، با آسمان تاریک که پروازگاه خفاش‌های کور پرواز است. این اجزای به‌هم‌پیوسته چنان نمادهایی ذهن خواننده را با یک بدبختی اجتماعی می‌سازد. آن بدبختی را هم در سیمای پاسبان شهر می‌بینیم که صدای التماس‌آمیز کودکش را می‌شنود؛ پدر! فردا عید است و من گفش ندارم، پاهایم برهنه مانده‌اند.

فارانی در نیمایی‌های خود خلاف چهارپاره‌هایش گاهی اندیشه‌پردازی می‌کند. مثلاً در شعر «فرزند ظلمت» که به سال ۱۳۳۹ خورشیدی سروده شده است:

فرزند ظلمتم

از تیره‌گی ژرف عدم سر کشیده‌ام

فرزند ظلمتم

از تیره‌گی ژرف عدم سر کشیده‌ام

فرزند ظلمتم

از تیره‌گی ژرف عدم سر کشیده‌ام

فرزند ظلمتم

از تیره‌گی ژرف عدم سر کشیده‌ام



اندر پی تصادف گمراه و بوالهوس

این پیرمرد کور

در کوره‌راه پرشکن و پیچ زنده‌گی

آهسته گام می‌زنم و می‌روم به پیش

پیرانم همه

اشباح نیم‌رنگ و سیاه پرسه می‌زنند

کابوس غم چو مرده‌ی از گور جسته‌ای

سویم نگاه می‌کند و لب همی‌گزد

من همچنان خاموش

افکنده سر فرو

دستم به دست او

از لای صخره‌ها

از روی خارها

سوی مفاک تیره و سردی به نام گور

جایی که آخرین

منزل‌گه حیات غم‌اندود آدمی‌ست

بر سینه می‌خزم

فرزند ظلمتم

بار دگر به دامن ظلمت برم پناه

(آخرین ستاره، ۱۳۴۲، ص ۵۰-۵۱)

در این شعر کوتاه داستان دراز زنده‌گی انسان بیان شده است که انسان در میان دو جبر زنده‌گی می‌کند؛ جبر به دنیا آمدن و جبر مرگ.

تا جایی می‌بندارم که در بند دوم شعر، سطرهای «جایی که آخرین/ منزل‌گه حیات غم‌اندود آدمی‌ست» تشریح اضافی «گور» است و نیازی به این تشریح در شعر نبود.

در گزینه «سفر در توفان» محمود فارانی دو شعر نیمایی دارد که نسبت به نیمایی‌هایی پیشین از نظر زبان، پرداخت و نگاه به هستی از جایگاه بلندی برخوردار است. «عقاب زخمی» یکی از نیمایی‌های او و آخرین شعر آمده در دفتر سفر در توفان است.

عقاب زخمی شعری است نمادین و نماد مرکزی شعر همان عقاب زخمی است. این عقاب زخمی می‌تواند نماد روشن‌فکری باشد که با تمام دشواری‌ها تن به آسایش در پستی نمی‌دهد. یا نماد یک اندیشه تحول‌طلبانه است که پیشاپیش روزگار، راه می‌زند، یا هم نماد یک جنبش آزادی‌خواهانه.

روشن‌فکر به آن سوی روزگار خویش می‌اندیشد و پیشاپیش زمان خود گام برمی‌دارد. چنین است که پیوسته با روزگار و آیین بسته آن در ستیز است. او آیین باز روشن‌فکرانه می‌خواهد و افق‌های روشن از عدالت اجتماعی.

عقاب بر فراز بام دنیا رسیده، برای آن‌که به آن افق‌های دور و بلند دل بسته است.

در هوای رسیدن به طور است. بر بنیاد روایت‌های دینی، طور همان جایگاهی است که موسا با خدا با آن حقیقت برتر دیدار کرد و خدا با او سخن گفت. طور تجلی‌گاه حقیقت است. می‌تواند در شعر نماد

حقیقت باشد.

هرچند گاهی رنج این پرواز دور، سبب می‌شود تا گونه‌ای ناامیدی بر دل عقاب سایه افکند، اما با این حال او از رنج راه نمی‌نالد و تردیدی در ذهن او پدیدار نمی‌شود که از اوج فرود آید.

شعر «عقاب زخمی» دو بخش دارد. بخش نخست بیان وضعیت است. عقاب در امر رسیدن به آن افق‌ها، در امر رسیدن به طور، به آن تجلی‌گاه حقیقت و در نهایت در امر رسیدن به حقیقت با وضعیت دشواری روبه‌رو است.

آن عقاب زخمی و آواره‌ام من

بر فراز بام دنیا

کز پرش خون می‌چکد

در جام خورشید

برتر از هر تیغه و هر سنگ خاره

برتر از هر قله‌ی پربرف

برتر از هر ابر پاره

بال می‌افشانند اندر آسمان لاژوردی

خشمگین و خسته و خاموش

می‌زند منقار در چشم ستاره

با دل نومید با بال شکسته

از ستیغ نیلگون کوه سوی چرخ جسته

تیر خورده لیک از صد دام رسته

رشته‌ی امید از هستی و از پستی گسسته

دل به آفاق بلند دور بسته

در تنش دیگر توانی نیست

زیر سقف سبز گردون آشیانی نیست

بال تبادارش دگر از کار مانده

چشم خون‌افشانش از دیدار مانده

(سفر در توفان، ص ۷۴-۷۵)

عقاب به‌سختی بال می‌زند، از پرش خون می‌چکد و از چشمانش نیز. در هوای رسیدن به طور، به آن تجلی‌گاه حقیقت برتر که هدف او است، هدفی که هستی او را مفهوم بخشیده است، این همه رنج را به جان خریده و از همه چیز گذشته است. او خود این پرواز را از قله بلندی آغاز کرده است. این سخن به این مفهوم است: آن را که اندیشه بلند و همت بلند نیست، هرگز گامی در چنین سفر پرمخاطره‌ای نمی‌تواند بردارد!

کار روشن‌فکرانه نیز سفری است دراز، پرمخاطره و بی‌فرجام که تنها با گام‌های اندیشه و همت بلند و به دور از تردید می‌توان آن را به پایان آورد. چنین است که گاهی رهروان اندیشه‌های روشن‌فکرانه از راه برمی‌گردند، خیلی هم سیاه‌روی برمی‌گردند تا به آسایشی برسند؛ اما همیشه چنین نیست. شماری راه را تا آخر می‌روند. تیر می‌خورند، ولی از پای در نمی‌افتند. اگر هم در این راه می‌میرند، این

مرگ خود اوج زنده‌گی است. مرگ در راه رسیدن به حقیقت جاودانه، خود زنده‌گی است، خود رسیدن به جاودانه‌گی است!

فارانی در بخش میانه شعر این دو راه را در میان می‌گذارد: نخست این‌که از بال‌های عقاب خون می‌چکد، او باید برگردد، به سوی هستی‌ای که در پستی‌ها وجود دارد؛ اما رسیدن به چنین هستی‌ای، زنده‌گی نیست، بلکه مرگ در پستی است. پستی خود هستی آلوده است و آن‌که زنده‌گی را در پستی جست‌وجو می‌کند، در حقیقت به یک زنده‌گی و هستی آلوده تن داده است.

باید او از راه برگردد

راه دشوار بلندی‌ها

سر فرود آرد به پستی‌ها

بهر این آلوده هستی‌ها

(همان، ص ۷۶)

شعر فارانی در این‌جا خواننده را به یاد اندرز بیدل در «طور معرفت» می‌اندازد. بیدل خطاب به آنانی که از آزادی خود گذشته و با خوی مزدوری در ژرفای سخت زمین برای دیگران در جست‌وجوی سیم و زر، به کان‌کنی و جان‌کنی مشغول‌اند، به طعنه چنین می‌گوید:

اگر طبع تو سیم و زر پرست است

به پستی رو که دنیا سخت پست است

به این کوشش نباید بود مسرور

که این‌جا زنده باید رفت در گور

(طور معرفت، ابوالمعانی بیدل، میرزا عبدالقادر، وزارت معارف، ۱۳۴۲، ص ۳۰)

راه دیگری که این‌جا در شعر بیان می‌شود، راه اوج است، راه وارسته‌گی، راه رسیدن به میعادگاه و دیدار حقیقت و یکی شدن با حقیقت است.

در «منطق الطیر» عطار می‌خوانیم که مرغان از هر گونه‌ای در جست‌وجوی رسیدن به سیم‌رغ، آن سفر دشوار و جان‌سوز را آغاز کردند، اما هر کدام در مرحله‌ای از پرواز ماند و به این نتیجه رسیدند که این سفر را پایانی نیست و نباید در هوای رسیدن به سیم‌رغ جان داد. چنان است که از آن انبوه مرغان، شماری دسته‌دسته برمی‌گردند و تنها سی مرغ به منزل‌گاه می‌رسند و درمی‌یابند که خود همان سیم‌رغ‌اند. درست چنان قطره بارانی که به دریا می‌رسد، دیگر خود دریا است، نه قطره باران!

«عقاب زخمی» فارانی نیز از راه بر نمی‌گردد. از بام دنیاها، از فراز ستاره‌ها و خورشید رو به پایین فرو نمی‌آید. در هوای هدفی که دارد، به‌سختی بال می‌زند تا برسد به آن چشمه نور، به طور، به آن میعادگاه دیدار، تا با آن حقیقت بزرگ و برین دیدار کند. برای آن‌که همه هستی در همان‌جا است و آن‌جا است که این عقاب زخمی خود به بخشی از هستی و به بخشی از آن حقیقت بدل می‌شود.

لیک با این خسته‌گی با ناامیدی

او به راه خویش می‌بald

هرگز از رنجش نمی‌نالد

در دل گردون آبی

می‌رود تا مرگ

دیدگان تشنه‌ی او خیره مانده

بر کران‌های کبود دور

در تلاش چشمه‌های نور

در هوای طور

(سفر در توفان، ۱۳۴۵، ص ۷۶)



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سر دبیر: حسیب بهش
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media
Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

مرکز زمین‌شناسی آمریکا از وقوع یک زمین‌لرزه قوی در ترکیه خبر داده است. این زمین‌لرزه با قدرت ۷.۸ ریشتری، ساعت ۵:۴۷ بامداد روز دوشنبه، ۶ فبروری، رخ داده است. عمق این زمین‌لرزه ۱۸ کیلومتر بوده و کشورهای ترکیه، یونان، سوریه، قبرس، اردن، لبنان و عراق را لرزاند. مرکز این زمین‌لرزه ۷ کیلومتری ساحه نوردافی، از مربوطات شهر غازی‌عنتاب ترکیه گفته شده است. تا کنون جزئیاتی از تلفات و خسارات احتمالی این زمین‌لرزه نشر نشده است. دولت ترکیه تا کنون در این مورد چیزی نگفته است. دو روز پیش نیز وقوع یک زمین‌لرزه با قدرت ۴.۲ ریشتری در این کشور مخابره شد.

دور جدید تهاجم روسیه؛

وزیر دفاع اوکراین جایگزین می‌شود



منابع دولتی اوکراین گفته‌اند که قرار است وزیر دفاع این کشور برکنار و فرد دیگری جانشین او شود تا فرماندهی جنگ با روسیه را به دست بگیرد. روتیرز به نقل از دیوید آراخامیا، قانونگذار ارتش اوکراین، روز یکشنبه، ۵ فبروری، گزارش داده که اولکسی رزنیوکوف، وزیر دفاع اوکراین، به وزارت دیگری منتقل می‌شود. از کایرلو بودانوف، رییس سازمان جاسوسی اوکراین (GUR)، به‌عنوان وزیر دفاع جدید که به زودی معرفی خواهد شد، یاد شده است. آراخامیا در تلگرام خود نوشته است: «جنگ ایجاب می‌کند که سیاست‌های پرسنلی تغییر کند.»

جایگزینی وزیر دفاع یکی از مهم‌ترین تغییرات در رهبری جنگ اوکراین با روسیه است. این قانون‌گذار اوکراینی به روتیرز گفته است که نیروهای نظامی اوکراین -مانند وزارت دفاع- نباید توسط سیاستمداران در زمان جنگ، بلکه توسط افرادی با پیشینه دفاعی یا امنیتی اداره شوند. دولت اوکراین در مورد تغییر در رهبری جنگ و این‌که چه زمانی رسمی خواهد شد، چیزی نگفته است. بودانوف، ۳۷ ساله، یک مامور اطلاعاتی است که به دلیل نقشش در عملیات‌های طبقه‌بندی‌شده، به سرعت در رتبه‌های بالاتری قرار گرفت و به ریاست اداره اصلی اطلاعات اوکراین رسید. این تغییرات در حالی اعمال خواهد شد که شماری از کارشناسان و نظامیان از آغاز دور جدید تهاجم روسیه بر اوکراین هشدار می‌دهند.



زمین لرزه مرگ‌بار در ترکیه؛ اردوغان: از ۴۵ کشور پیشنهاد کمک دریافت کرده‌ایم

رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه، گفته که از ۴۵ کشور جهان برای رسیده‌گی به آسیب‌دیده‌گان زمین‌لرزه اخیر پیشنهاد کمک دریافت کرده است.

آقای اردوغان روز دوشنبه، ۶ فبروری، این سخنان را پس از وقوع دو زمین‌لرزه شدید در ترکیه بیان کرده است.

براساس آخرین آماری که از سوی رسانه‌های ترکی نشر شده است، شمار جان‌باخته‌گان این رویداد به یک هزار و ۴۹۸ تن رسیده است.

از جانبی دراث این رویداد، دست‌کم هفت هزار و ۶۳۴ تن زخمی شده‌اند و دو هزار و ۸۳۴ ساختمان نیز تخریب شده است.

گفتنی است که آمار قربانیان این زلزله‌ها رو به افزایش است.

این در حالی است که امروز دو زمین‌لرزه بخش‌هایی از جنوب‌شرقی ترکیه و شمال سوریه را لرزاند.

رهبران کشورهای مختلف در پیام‌های جداگانه با مردم ترکیه و سوریه به دلیل این زمین‌لرزه‌های مرگ‌بار ابراز همدردی کرده‌اند.

وزارت امور خارجه طالبان نیز با نشر خبرنامه‌ای، خواهان کمک به آسیب‌دیده‌گان این زمین‌لرزه‌ها از سوی جهان شده است.

زمین لرزه مرگ‌بار ترکیه و سوریه؛ شمار جان‌باخته‌گان به بیش از سه هزار تن رسید

برای رسیده‌گی به آسیب‌دیده‌گان پیشنهاد کمک دریافت کرده است.

گفتنی است که این آمار نهایی نیست و شمار آن رو به افزایش است. وزارت امور خارجه طالبان نیز با نشر خبرنامه‌ای، خواهان کمک به آسیب‌دیده‌گان این زمین‌لرزه‌ها از سوی جهان شده است.

مرگ‌بار یک هفته را عزای عمومی اعلام کرده است. این زمین‌لرزه با بزرگی ۷.۸ درجه ریشتری مناطق جنوب شرق ترکیه و شمال سوریه را لرزاند.

پس از آن بعداز ظهر همان روز زلزله دیگری با قدرت ۷.۵ درجه ریشتری رخ داد که آمار قربانیان را بیش از حد بالا برد. در همین حال اردوغان گفته است که از ۴۵ کشور جهان

بربنیاد گزارش‌ها، شمار جان‌باخته‌گان زمین‌لرزه مرگ‌بار روز دوشنبه، ۶ فبروری در ترکیه و سوریه، به بیش از سه هزار تن افزایش یافته است.

روتیرز گزارش داده که سردی هوا تلاش‌ها برای یافتن بازمانده‌گان را با مشکل مواجه ساخته است.

رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه، در پی این حادثه

کابلوف: روسیه هیچ برنامه‌ای برای بستن سفارت خود در کابل ندارد



افکاری رخ نداده است.»

این در حالی است که یک منبع معتبر روز گذشته به روزنامه ۸ صبح گفته بود که عربستان سعودی سفارتش در افغانستان را تخلیه کرده است.

ذبح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، نیز بدون ذکر نام از کدام کشوری، گفته است که اعمال فشار، ایجاد تشویش و خواسته‌های مداخله‌گرایانه به نفع هیچ جهت نیست. مشخص نشده که هدف مجاهد کدام کشور بوده است.

۸ صبح، کابل: نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان گفته است که مسکو هیچ برنامه‌ای برای بستن نمایندگی دیپلماتیکش در کابل به دلیل تهدیدات امنیتی ندارد.

ضمیر کابلوف، نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان، این سخنان را روز دوشنبه، ۱۷ دلو، در گفت‌وگو با خبرگزاری تاس بیان کرده است.

او در پاسخ به این پرسش که آیا روسیه برنامه‌ای برای بستن سفارتش در کابل دارد یا خیر، گفته است: «حتا چنین

هند بزرگ‌ترین کارخانه تولید چرخ‌بال را افتتاح کرد



به گزارش فرانس پرس، هند بزرگ‌ترین کارخانه تولید چرخ‌بال را افتتاح کرده که قادر به تولید یک هزار چرخ‌بال در سال است.

براساس گزارش فرانس پرس، این کارخانه روز دوشنبه، ۶ فبروری، توسط ناندرا مودی، نخست‌وزیر هند، افتتاح شده است.

دهلی نو اعلام کرده است که با توجه به رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای به‌ویژه با چین که با آن اختلافات مرزی دارد، بودجه نظامی خود را در سال روان با ۱۳ درصد افزایش به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسانده است.

هند یکی از بزرگ‌ترین واردکننده‌گان سلاح در جهان است و روسیه بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین صادرکننده سلاح و جنگ‌افزار به این کشور می‌باشد.

مودی در مراسم افتتاحیه این کارخانه تولید چرخ‌بال در ایالت «کرناتاکا» گفته است که چنین تاسیسات دفاعی، به‌تدریج هند را در زمینه صنایع دفاعی خودکفا می‌سازد. او افزوده است: «خرسندم که صدها نوع سلاح و سیستم دفاعی، از تفنگ و تانک گرفته تا کشتی‌های هواپیما، چرخ‌بال و هواپیماهای ترانسپورتی اکنون در هند تولید می‌شود.»

کارخانه جدید تولید چرخ‌بال هند، بزرگ‌ترین کارخانه در نوع خود در آسیا خوانده شده است.

گفتنی است که هند با چین و پاکستان درگیر مناقشات مرزی است و چندین بار به درگیری پرداخته‌اند.

هشدار دبیرکل سازمان ملل:

در صورت تشدید درگیری‌ها در اوکراین، جهان به سمت یک «جنگ گسترده» پیش می‌رود

آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل متحد، می‌گوید که جهان با چشمانی باز به سمت جنگی گسترده‌تر پیش می‌رود.

به گزارش یورونیوز، گوتروش، دوشنبه، ۶ فبروری، در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل به جهان هشدار داده است که در صورت تشدید درگیری‌ها در اوکراین، جهان به سمت یک جنگ گسترده و تمام‌عیار پیش می‌رود.

او گفته است: «ما سال ۲۰۲۳ را با وقایع تلخ و چالش‌هایی شروع کردیم که هیچ‌یک انتظار آن را هم نداشتیم و شبیه هیچ‌کدام از وقایع طول زنده‌گی‌مان هم نیست.» گوتروش در این سخنرانی همچنان به کشورهای جهان نسبت به تغییرات اقلیمی هشدار داد و گفت: «ما باید بیدار شویم. باید

دست به کار شویم.»

آقای گوتروش افزوده که به‌جز جنگ اوکراین، صلح بین فلسطین و اسرائیل، صلح در افغانستان، میانمار، ساحل و هائیتی نیز دست نیافتی به نظر می‌رسد.

این سخنرانی در حالی برگزار می‌شود که حدود دو هفته دیگر نخستین سالروز جنگ اوکراین است. جنگی که تاکنون جان هزاران نفر را گرفته و صدها هزار تن را بی‌خانمان کرده است.



لیگ برتر انگلستان:

من‌سیتی در نه سال ۱۰۱ بار قوانین را نقض کرده است

لیگ برتر انگلستان در گزارشی، باشگاه منچستر سیتی را به بیش از ۱۰۰ بار نقض قوانین بازی جوان‌مردانه مالی در یک دوره نه‌ساله متهم کرده است.

براساس تحقیق چهارساله لیگ برتر که روز دوشنبه، ۶ فبروری، نشر شده است، نقض قوانین از سوی من‌سیتی از سال ۲۰۰۹ شروع شده و تا سال ۲۰۱۸ ادامه داشته است.

براساس این گزارش، لیگ برتر همچنین مدعی است که من‌سیتی در یک دوره پنج‌ساله از قوانین بازی جوان‌مردانه مالی یوفا پیروی نکرده است.

در گزارش همچنان ادعا شده است که این باشگاه به‌طور کامل در جریان تحقیقات چهارساله با این لیگ همکاری نکرده است.

باشگاه منچستر سیتی در واکنش به این گزارش گفته است که از اتهام‌های واردشده شگفتی‌زده شده است.

قوانین بازی جوان‌مردانه مالی لیگ برتر به‌گونه‌ای طراحی شده است که باشگاه‌ها تقریباً آن‌چه را که به دست می‌آورند، خرج می‌کنند.

طبق گزارش لیگ برتر، من‌سیتی در طول نه فصل قوانین را زیر پا گذاشته و اطلاعات مالی دقیقی ارائه نکرده است.